

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

بیکار

۶۲

سال دوم - دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۹ بهاء ۴۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- در سربالایی، اسبها یکدیگر را گاز میگیرند
- مائشاء الله قصاب و شلولوبندهایش در بندرانزلی
- دست خون آلود جلادان از گلوی فرزندان خلق کوتاه!
- تقی شهرام کیست و رژیم از محاکمه او چه هدفهایی دارد؟
- دلسوزی رژیم جمهوری اسلامی برای شرکت امپریالیستی کرایسلر صفحه ۱۶

مسئله حجاب:

ادامه اقدامات ضد دمکراتیک رژیم، سوگواری زنان بورژوا و موضع کمونیستها

تعرض رژیم جمهوری اسلامی علیه دستاوردهای قیام و حقوق دمکراتیک توده‌های مردم ما ابعاد جدیدی بخود گرفته است، تنها جنبه‌ها می‌بسیار علیه جنبش کردستان، تعرض گسترده علیه نیروهای مترقی و کمونیستی، حمله وسیع علیه مطبوعات مترقی و کمونیستی حمله به حقوق دمکراتیک زنان مبارز و مترقی و... مشخص کننده ابعاد جدید تعرض ارتجاع می‌باشد.

هیئت حاکمه ایران از قیام به این طرف تجاوزات متعددی به حقوق زنان وارد آورده است:

ترویج و انتشار افکار بوسیده و فئودالی علیه زن، با یمال نمودن حق طلاق برای زن، کوشش در کنا رگذاشتن زنان از موسسات اداری و سیاسی و امروز طرح دوباره "حجاب اسلامی" تحت

بقیه در صفحه ۹

چهره عریان هیئت حاکمه در رویدادهای اخیر و سخنی با مجاهدین خلق ایران (قسمت اول)

شکست زنده ایمن کار جلادان رژیم است، نه کار پیشتازان خلق کرد

نامه دوسریباز اسیر به خانواده هایشان

۵ صفحه



رویدادها و حوادثی که در عقبه گذشته نوع بیست، درخور اهمیت و بررسی بسیار است. این حوادث و رویدادها، از آن دسته مثال عینی اجتماعی هستند که بهترین ریشه‌ها را برای رشد و ارتقا، آگاهی کمونیستی توده‌های طبقه کارگر، فراهم می‌سازد و حجابیت کفنا روگردا را انقلابیون راستین کمونیست را در موضع ماضی سیاسی - اجتماعی جامع، به نبوت می‌رساند. هیچ "مجزه‌ای" جز بحره عینی خود توده‌ها، در جریان مبارزه طبقاتی و سرخو ادب اجتماع، نمی‌سواند در آموزش و تربیت واقعی توده‌ها، این جنبش مؤثر باشد. حوادث واقع در عرصه اجتماع و سیاست، بخصوص آن دسته حوادثی که از اهمیت و برجستگی بیشتری برخوردارند، گامی به پیش از آنها علامه و روزنامه و تبلیغ و... ذهن توده‌ها را - و نه تنها توده‌ها را که حتی رهبران آنها را، اجنا نچه گوش شنوایی دانسته باشند - به کتبه ما هیئت این رویدادها مطوف می‌سازد.

بقیه در صفحه ۲

تجاری از مبارزات کارگران کارخانه داروسازی عیپدی

۳ صفحه

نگاهی به سخنان وزیر کار در کنفرانس بین المللی کار: دروغگو که شرم و چپا سرش نمیشود

۱۳ صفحه

ضمیمه بیکار این شماره منتشر شد

پاسخ به نامه‌ها رهنمودهایی در زمینه تهیه خبر و گزارش نویسی

۸ صفحه

درباره مواضع انشعاییون حزب دمکرات

روزیونیست‌ها همواره جنگهای عادلانه را تحت پوشش "برادرکشی"، "هرج و مرج" و... محکوم کرده‌اند.

منشعبین میخواهند نشان دهند که املا جنگ کردستان جنگ بیمن نشود! ل‌هاست که بوسله عوامل اویسی بر راه انداخته شده است.

۱۱ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جنبش کارگری



تجاری از مبارزات کارگران داروسازی عیبی

برپه‌آوردن به کارتویجی و تشکیلاتی در میان کارگران پیشرو و کم توجهی به کار تبلیغی در بین توده‌های میانی و عقب مانده کارگران نمی‌تواند اکثریت کارگران را در مبارزات خود بسیج نماید.

کارخانه داروسازی عیبی توسط شخصی به‌نام در حدود ۸ سال پیش آغاز کار کرده است. در حال حاضر حدود ۲۲ نفر در این کارخانه مشغول به کارند. سندیکی قدیمی کارگران از آنجا که عمدتاً توسط کارمندان و سرپرستان حامی سرمایه‌دار تشکیل شده بود، هیچ کاری برای کارگران انجام نمی‌داد. در آبان ماه ۵۸ وقتی که کارفرما قصد اخراج یکی از کارگران را داشت با اعتراض وسیع کارگران روبرو شد. کارفرما برای مقابله با کارگران و اخراج عناصر آگاه و عموماً جدید کارگری، کارخانه را بمدت ۳ روز تعطیل کرده و اعلام نمود که در آینده مدت تعطیلی این تعطیلی ادا خواهد شد. البته وزارت کار، صنایع و معادن، کمیته صنفی اما مواد دستاوردی دست به دست کارفرما، در مقابل کارگران قرار گرفتند. کارگران تصمیم می‌گیرند و کارخانه را به اجازت خود دست خود می‌گیرند. آنها چنان مصمم بودند که تیراندازی افراد کمیته هم نتوانست مانع از انجام خواستار خود، سرانجام موفق نامهای در حضور نماندگان کارگران و کارمندان و نمایندگان کارفرما و اداسانی و شورای انقلاب اهواز و افرادی بود که کارفرما در طی ۱۵ روز به خواستهای آنها کارگران رسیدگی کند، در ضمن حق اخراج کارگران نیز از عیبی سلب می‌گردد.

کارفرما همچنان توپنه میکند

اگرچه کارفرما ظاهرآ عقب نشینی ولی در کارکنان بود که تنها جم جدیدی را علیه کارگران زمینه‌چینی کند بهترین وسیله‌ای که کارفرما برای رسیدن به نیابت پلیس خود داشت، علاوه بر نفرزده فکری بین کارگران، تعطیل موقت کارخانه بود. در این باره طبقه کارگری از ورود مواد خام، کارخانه را عملدرمصر تعطیل قرار داد.

همانطوریکه کمیته کارگران این کارخانه هنوز یک سندیکی واقعی ندا نداشت و به همین علت برای مقابله با کارفرما و همچنین هدایت مبارزات خود دست به تشکیل کمیته‌ها هتگی زدند. این کمیته می‌بایست نظارت بر تولید را نیز بر عهده داشته باشد.

روز شنبه ۵۸/۱۲/۴ کارگران به یکباره خیز بردار شدند که کارمندان حسابداری کارخانه را ترک کرده اند و بی‌پتور - ها نیز قفسه خروج دارند. کارگران تصمیم می‌گیرند که در صورت تعطیل شدن کارخانه، در محل وزارت بهداری تحصن کنند.

کلاهبرداری دیروز، امروز نماینده دادستان گل انقلاب در امور "پاکسازی" صنعت نفت است!

دکتر حیدری مشاور حقوقی شورای انقلاب و نماینده "امین" و تام الاختیار جناب قدوسی در امور "پاکسازی" شرکت نفت، خود از سرسپردگان رژیم شاهنشاهی از آب درآمد و معلوم گشت نام واقعی ایشان مهدی هزاره‌ای است.

پاکسازی صنعت نفت از سرسپردگان و عوامیل رژیم مزدور شاه و سپردن کارها و مدیریت این صنعت بدست عناصر انقلابی همواره یکی از خواسته‌های اساسی کارگران و کارمندان مبارزان پس از قیام بهمن ماه بوده است. اما تاکنون هر بار ریشکلی از انجام آن جلوگیری شده است.

معین فرس از روی کار آمدنش، در سفری به اهواز (مهرماه ۵۸) هنگام مذاکره با شورای مرکزی کارکنان صنعت نفت اهواز در باره مسئله پاکسازی فولپاشی می‌دهد، ولی پس از اسکندریه اما می‌دهد ای را که معمول با کسب می‌شده بود دست می‌کشد، وی طی اطلاعیه‌ای این عمل را کارگزاران آمریکا می‌دهد و اظهار می‌دارد که می‌خواهد کارکنان و معتمدین سرسپردگان (منظور از آن همان سرسپردگان رژیم شاه خائن و سواکبها است!) از صنعت نفت بیرون ببردند. معین فرس عملکردهای بعدی خود از سرسپردگان رژیم پیشین حمایت کامل نموده و هرگاه که مسئله پاکسازی در مناطقی بیخیزد مشکل حادی در آمدن او و وعید و عوام فریبی شعوی خود را از کربان رها کرد!

شورای مرکزی صنعت نفت اهواز نیز طبق یکسال و نیم گذشته (چند روز مانده به ده روز مانده به بعد معین فرس) با اسبابی سازشکارانه در پیش گرفته و هرگز هدایت آن بدست عناصر مبارز کارگزاران و هرگز نیست. لیسرا لیسرای درون سورا اسباب استهای ضد کارگری خود، همچنین عوامل اجمن اسلامی ساکن اندازی و کارکنی های پشت پرده (علیرغم انقلابی سالی شان) سورا راه سمت آشنی با مدیریت صنعت نفت پس برده اند.

بقیه در صفحه ۴

آنها همرا با پلاکاردها بیان و با شعارها نسی از قبیل "کارگر پیروز است، سرمایه‌دار رنایا بود است" جلوی وزارت بهداری اجتماع کردند. مقامات وزارت بهداری در پی آن بودند که کارگران را از سر خود بیاز کنند. لکن کاری از پیش نبردند. کارگران با روحیه ای عالی شعار میدادند "عیبیدی، عیبیدی، مرگ به نیرنگ تو، وزارت بهداری حامی سرخست تو".

کارگران در روز سوم شخص خود را مدورا اطلاعیه‌ها - نی مردم را در حرسان مسائل خود قرار دادند. روز چهارم مقامات مسئول حکمی صادر کردند که بر اساس آن سرپرستی کارخانه را هیئتی مرکب از دولتی از مدرسان و یک نفر از نمایندگان کارگران، عهده‌دار می‌شد. کارگران با افسانه‌ها و اسکندریه مبارزه را در دستگیر کارخانه‌ها مدد از شخص خود با ن دادند.

درسهائی از مبارزه کارگران کارخانه عیبی

۱- لزوم ایجاد تشکیلات مناسب در هر محیط از مبارزه: کمیته کارخانه‌ها با بزرگ مشکل از عناصر صریح رزواگاه کارگری می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در پیشبرد مبارزه و رسیدن به خواسته‌های کارگران داشته باشند. وقتی کارگران آگاه کارخانه شکل تشکیلاتی لازم را بدرستی تشخیص دادند، با بدبنا نایستی نایبیر برای برپایی این ارگان و همچنین سرکوب در آن، مبارزه کردند. عناصر آگاه و بدبیرستی پیش بینی کردند که کارفرما برای اجرای نقشه‌های خود قصد تعطیل کارخانه را دارد و از انواع عوامل اسفاده می‌کنند تا مقوف کارگران را از هم جدا نماید و در همین رابطه و با توجه به اینکه کارگران فاقد سندیکی واقعی خود نبودند به لزوم تشکیل یک کمیته مناسب برای مقابله جوشی با نوطه‌های کارفرما پی بردند و آنرا بوجود آوردند ولی با وجود این در دست گرفتن رهبری این کمیته نکست می‌خورند چرا؟

الف- برپه‌آوردن به کارتویجی - برخی از عناصر پیشرو و آگاه غرق در مسائل ترویجی اند و منتقدند که از این طریق میتوان پایه‌های محکمی کسب کرد! آنها در کارخانه پیش از حد به عناصر پیشرو و کارگری توجه دارند و نام هم‌وفعیان آگاه کردن فردی این کارگران از طریق کار ترویجی با آنهاست. چرا که چنین کارگران

بقیه در صفحه ۴

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

تجاریبی ...

بقتیه از صفحه ۲
پیشروئی استعداد درک و جذب بیشتری برای مطالب
ترویجی را دارند.

بکمپنیا دهن به کار تبلیغی - تبلیغ مناسب کار
تبلیغی و ترویجی در میان کارگران مبارزان اصول
انسانی کاری باشد. تکلیف بجا نماند به کار ترویجی و
دوران فاند از کار تبلیغی که در شرایط اعتلای جنبش
از ضروری ترین کارهاست میباید اعتنا صریح و فعال
را با شکست مواجه سازد.

مبارزان درون کارخانه ها و وقتی به سطح
مطلوب میرسد که بوده عظمی ارکا رگران را در دست
خود داشته باشد. در ضمن شرایط بدون آنکه خواهیم
نفس و اهنس کار ترویجی را انکار کنیم. بی ما نیست
نظور همه جا سده ای کار تبلیغی برداخت و سده هر
جهت و سعی ارکا رگران را تسخیر نمود.

تکلیف بجا نماند ترویجی و سکتلانی سنا
کارگران بی سرو و میار. عناصر آکا در ار بود که کارگران
جدا می کند. امولا ای یک نوع آمان کوانی است که
عناصر آکا در صورت آسوی کارگران فعال و مبارز می
کتابند. چرا که کار با حسن کارگرای بسا رسا دهن
بوده و بر سر می رسد بی کند. از این کنسدا س
یعنی بر سپیدادن سکا ر ترویجی که بر روی سسر و
عناصر بی سرو کارگری صورت سکرد و کمپونچی سس
حسن میایی و عتب ما سده کارگران خود می یوا سس
سای اسخدا کسک ها و سایر جاهای حد روا سس و
آرا رکو سس کلسی کرد.

۲- کارهایی که در جریان مبارزه (جنبش) می
باید انجام بگیرد:

الف- جلب حمایت کارگران سایر کارخانه ها - با سس
در این مورد کارگسردهای صورت بگیرد. با احام
چنین کاری هم کارگران سایر کارخانه ها در جریان
نوطشه های کار و مبارزات با دلالت آنها تراز می
گرفت و هم حمایت و سسبایی کارگران دیگر کارخانه
ها را رکا رگران محض. روحه مبارزه جونی آنها را
تغویت سس کرد. و در این را سس سس بود که ارکا رگران
کارخانه هایی که در همان زمان مبارزه در آنجا جریان
داست. دعوت سس که در میان کارگران ساسند و آنها
را در جریان مبارزه خود تراز داد و از خود کرحما سس
ساست.

ب- تقسیم کار مناسب و سسکل صدور اعتبار -
برای پیشبرد آموئی و منظم مبارزه. سسکل کمسدهائی
نظیر مذاکرات تبلیغی و ارتباط و ... سس سس
مورد مشخص ضروری است. البته صرف سسکل کمیسه
مسئله ای را حل نمی کند بلکه بی سس و ظاف خود -
شان را بخوبی انجام دهند. علاوه بر ضرورت تقسیم کار
برای مقابله با فشاراتحادی کار و مبارز. وجود صدور
اعتنا به حتماً لازم است. در جریان بخش کارگران به
این امر توجه کافی شود و کار و مبارز سسبای سس
مالی برای درهم شکستن روحه کارگران اسفا دهن
و حتی ننی چند. از کارگران ساس آکا در اسوی خود کما سس.
صدوق اعتنا به کمی بی سس با کمک خود کارگران
بوجود آید به کارگران این امکان را سسده که سس
اندازه ای فارغ از فشارهای مالی مقاومت نموده و
کار و مبارزانی را وادار به عقب نشینی نمایند (در مورد
صدوق اعتنا به رجوع کند به پیگار ۵۲)

ح - فعالیت تبلیغی در سطح وسیع - در جریان مبارزه
زمینه دبیرس تبلیغ به بهترین نحو آماده میشود. در
این لحظات می بایست از هر فرصتی برای تقویت
روحه مبارزه حویا به کارگران اسفا ده نمود مناسبه
عناصر آکا هه اس امر مهمی است لازم و دادده و
عقدناً کار خود را محدود به دستخاب حدیفری و ... کرد
- سسکل سس سسکاه عکس و ... آرا سس کسه
ممکن است رورهای بخش بطول انجام دهد و روحه
- اس نمایش ملبم و سایر با کردن سس سسکاه عکس و بخش سروده ای
کارگری و انقلابی سسباید سس روحی در تقویت روحی
و انقلابی می تواند سس روحی در تقویت روحی
کارگران ساسی بکند و در سس حال آکا هی اس را
ارضا دهد.

۳- برخی نکات دیگر:

ح - حرکت نکردن از سطح خواسته ها و سایرهای خود
کارگران:
زمانی که عناصر آکا در فعال حسن کارگری سس
خواستها و سایرهای واقعی کارگران سی سوجی کند
و در جنبش سس را و بیجا سسکده ا رده ها سس خود حرکت
کند. سس سس سس سس که در عطل عناصر آکا در اسوده
کارگری ما سسده و با حسن کل حرکت سسکست کسده
سود. البته اس بدان معنی نیست که کویا سس اس
سطح عقب ما سسده بر سس کارگران حرکت کرد.

کلاهبردان ...

سوراندس کرس بی سرو سس کس کس
اخراج سسده ای اس سر سس کس کس کس
سی در ادارات صنعت بسیار زیاد سسده
دیو سسده ا ر حله سس کور سورا سس کس
ساره خود عسکرد و با حسن سس سس کس سس کس
سسه سسده با اسسار اسسای کل اسخاب در اسسور
با کساری سس سسب. اسس سسکده. در اسس کسری سس کور
آسده سس کس سسده ای خود را سسبوان سس و سس کس سس
- ی اسخاب سس سس سس کسری سس سس اسسوار سس سس
کرده و برای جلب سس سسده سسکس سورا کسده سس

بی توجهی به سطح آگاهی و روانشناسی تسوده
کارگران:

دانشن سسار سسایی کلی از سطح آگاهی سسده کارگران
برای سسظم حرکت عنصر آکا ه ضرورت حتمی دارد. در
نظر سسرفس سطح آگاهی کارگران در عمل سسباید
عناصر آکا ه را در مقابل آنها قرار دهده و با در اسنا گیری
عناصر آکا ه را وادار به حرکتی "حب و با راست سسباید
در مورد اس حسن سعده ای از کارگران در اسنا گیری
- ی خود "حب" روی کرده و با عت سسده که سعده ای از
کارگران در مقابل سس موم سسگری سسده و سسباید
سای سسده سسده و در سسده اسسار سسده اسسده و سسده.

تقسیم کاری های تدری:

سبای سسده کارگران در سسباید سسده که سسده
سسه سسده سسده سساری سسار سسده سسده سسده سسده
کسری سسده و در سسده سس اسساره ای اس سسباید
سسده سسده اسساره. چرا که سسده های کارگر سسده
ار اسس حساب سسده کرد.

سس سسباید سسباید حرکت - کار و مبارز در سسده

در جریان مبارزه با سسده و سسده سسده سسده سسده
و دولت سس سسباید سسده و سسده سسده سسده سسده
سسای سساره ای سسباید سسباید در سسده سسده. در سس
اسسور اسسار سسده اسساره سسباید و اسسکس سس
کارگران اسساره سسده سسباید.

که همسده عمل سسده اسساره سسده سسده سسده سسده
عملکردهای سسده حدی در عمل. اسساره سسده
سسده سسده سسده سسده سسده سسده سسده سسده
اخراج سسده سسده سسده سسده سسده سسده سسده
سساره سسباید سسباید سسده سسده سسده سسده
سورای سسباید سسباید سسده سسده سسده سسده سسده
سسده سسده سسده سسده سسده سسده سسده سسده
سساره سسباید سسباید سسده سسده سسده سسده سسده
اطلی اسساره سسباید سسباید سسده سسده سسده سسده
کسری سسده سسده سسباید سسباید سسده سسده سسده
سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید
سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید
سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید
سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید سسباید



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلقها و مسئله ملی



یاد رفتنای پیگارگو و پیشمرگه های شهید قهرمان سازمان گرامی باد

خلق کردتا کنون شهیدای بسیاری تقدیم انقلاب دمکراتیک - فدامبرالیستی خلقهای ایران - نموده است که شش شهید سازمان بیگار نیز در زمره آنها قرار دارند، ما در شماره های گذشته بیگار گوشه ای از زندگی مبارزاتی سخن از این رفقای قهرمان را آوردیم، اینک با کرامت باد همه شهیدای راه استقلال و آزادی ایران، در این شماره گوشه های از زندگی مبارزاتی رفقای شهیدلی مرادی، حسن (امیر) فقیر و مسعود سنان را بسط از بیگار کردستان درج می - کنیم .

یادمان گرامی و آرمان نشان بیروزیا دا! * * * پیگارگو شهید لیل مرادی

رفیق لیل اهل سنندج و دابن آموزشال آخر دبیرستان بود، او مبارزی فعال و بیروز بود که مادقانه در راه بیروزی خلق کرد و همه خلقهای ایران قدم گذاشت و در جریان نکل گیری "سنگه ها" در سنندج بعنوان عضو فعال "سنگه تازه آباد" در راه ایالات سردن آگاهی و شکل مردم پیرو فعالیست برداخت و در جریان بورس مدخلتی اخیر به صف هواداران سازمان بیگار پیوست او که بعد از انتقال شهرنویس مزدوران ارتش و با ساداری ادا معالینهای انقلابی در سپرمانده بود در نظر هراتی که از طرف مردم علیه سرکوبگران ضد خلق برپا شده بودند تکبیر گردید، سرهنگ صدری فرمانده مزدور و جنا بیگاریادگان سنندج در مبارز جوشی از او به توهین به آرمانها و اعتقادها با او پرداخت رفیق که زندگی را در راه آرمانها پیش گذاشته بود در مقابل کساختی صدری جلا جوسورا نه سبلی محکمی به گوش این جلاکتیف زد، روز بعد (اواسط خرداد) جلادان او را به جوخه اعدام سپردند و خون پاکش را بر سر زمین دلاوریروز سنندج جاری ساختند.

برنگوه با دغا طره اش!

* * * پیغمبرگه شهید مسعود ستایش

شهید مسعود اهل سنندج بود و چون ما بی جوانان انقلابی سنندج به مبارزه در راه برآوردن خواسته های انقلابی خلق کرد و پیشمرده انقلاب دمکراتیک - ضد امبرالیستی خلقهای ایران روی آورد، او در پیوند این راه به صفوف هواداران سازمان بیگار حسیوزده سنندج پیوست و در اوایل امسال بعنوان پیشمرگه زندگی خویش را تا ما در راه مبارزه و برآوردن آرمانهای زحمتکشان قرار داد، او در جزئیات مقام و مسبت قهرمانانه ۲۵ روز سنندج فعالانه شرکت جست و بنا

شکنجه زندانیان کار جلادان رژیم است نه کار پیشمرگان خلق کرد

نامه دو سرباز اسیر به خانواده هایشان
علاوه بر اعدا میا و کشتارهایی که جلادان رژیم در کردستان برآه انداخته اند، دستگاہای تسلیماتی این نیز ضمن انتخاب بیشترمانه ترین نهمت ها و توجیح - ترین توهین ها به خلق کرد، فریاد می زند که افراد اسیر شده در دست پیشمرگان قهرمان زیر شکنجه ترین شکنجه ها قرار دارند، متونی که ملاحظه می کنید عین نامه های است که دوش از سربازان اسیر در دست خلق کرد، به خانواده خود نوشته اند، این نامه ها را ما در معرض قضاوت نموده ها قرار می دهیم تا بدانند شکنجه کردن زندانیان، فقط اردست آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی سومی آیدینه اردست پیشمرگان قهرمان خلقی که برای رهایی خود از ستم ملی و وطنی، بیگار میکنند:

خدمت برادر عزیزم برسد.
پس از عرض سلام امیدوارم که حال شما و تمام اهل خانواده خوب باشد و اگر از احوالات اصحاب خواسته باشید الحمد لله بد نیست، غیر از دوری و مفارقت شما از قول من به شما م اهل ما میل و دوستان و آشناسان سلام برسان و برادر عزیز را کوفت کردی می روی و به همسر مرگنی می کنی و می گوئی ما راحت نشاند سلامت هستیم، برادر عزیز با لافخه ارتش کار دست ما داد، و ما که می رفتیم وسط راه که در کسری سنی آمد و ما در دست ... هستیم و اینجا که ما را ... نگاهداری می کند ما ما ... اخلاق ما را انسانیت رقا رسوده است و ماری برادر کرامی ... همسره برده انقلاب - های کردستان نظا هرات می کنند در نتیجه این نظا هرات برده مردم کردستان که آنها همه ملطمان هستند و آنها بی سلاح برده شده اند یا مد مردم می جنگند آنها را مردم کردیستیمانی می کنند چون که برای دفاع از مردم کردی برخاسته اند، امیدوارم دیگر تکبران سنا سید و صح با راحت نباشید و بعد از این که در باره ما تحقیق کردند که ما بیگناه هستیم و دفعه اول ما است که به کردستان آمده ایم و آدم گنی نگردیده ایم را آزادی کنند و برای برادرشها من نیستیم که در کردستان گرفتار نشده ام بعدا دیساری سرباز و در جدها رهنمند که وضع ما این طور است و هر وقت ارتش کروگانها بی که از ملت کرد گرفته است را کند اینجا هم ما را آزادی کنند و هر وقت آمدند از ارتش شما گفتند که از ... خبردار رسید خودتان بگوئید که ما به شما سربازان را آدم حال از ما می خواهید و بریدید این فرماندها دکان و بگوئید ما سربازی یا سربازانی که به ارتش دادیم میخواستیم تا اینکه مجبور شویند که جنگ را تمام کنند و از طرف من به ما در بگوئید که بگوئید فقط برآ به دعا کند.

خدا نگهدار
* * *
خدمت پدر ما در عزیزم سلام عرض میکند
پدر ما در مردمان و خواهران عزیزیم، بوستان را از فرسنگها راه دور می بوسم و سلامتی وجود عزیزان را از خداوند بزرگ خوا هام، پدر ما در عزیزم، من (مذنی است) ... به کروگان گرفته شدیم و ما اینک که این نامه را برای شما می نویسم ... در مقر پیشمرگان ...

مزدوران جنگید و با لافخه در حمله به ستون ارتش ضد خلقی روز ۱۷ خردادین راه کار مباران - سنندج بعد از چند ساعت رزم دلاورانه با مزدوران به شپا دست رسید و نهال جنیت مقامت خلق کرد و انقلاب ایران را با رور تر ساخت .

درد همه روان پاکش!

* * * پیغمبرگه شهید حسن (امیر) فقیر

رفیق حسن بریندل انقلابی ارتش در جدها رکسادر بود، او در بیروز خدمت میکرد، در دوران مبارزه علیه رژیم سنا هجت تا سربازان مردم فزار گرفت و خواهان خدمت به آنها و قرار دادن نیروی خود در راه نجات آنها کرد، به همین دلیل سفدا سربگونی رژیم سنا هجتا خوشحالی نکرد و استقرار رژیم جمهوری اسلامی مقدمه و عامل رسیدن زنده های زحمتکش به خواسته های سنان خواهد بود، اما عملگر در رژیم جدید او را که سنا در زحمتکشان عشق بیروزید متوجه ساخت که صورتی نا درست بوده است، به این جهت بیروزید فکری خود را از رژیم برید و در جستجوی راه واقعی خدمت به زحمتکشان با هواداران سازمان بیگار در بیروزید فکری خود را از آنها تمام سرفرا رسود، در این جریان او از تکبیر مذهبی نیز برید و ما رگیم - لیستیم را بعنوان تنها اندولوژی و انعا انقلابی پذیرفت و در شانس سنا هواداران سازمان به فعالیت انقلابی مشغول شدند، ولی بعد از مدتی فعالیتها من برای فرماندهگان مزدور آشکار گردید در این وضع او از ارتش فرار نمود و برای ادا هم مبارزه به کردستان آمد و به سازمان پیوست، او در اینجا نیز فداکارانه به مبارزه انقلابی خود را ادا نمود و با لافخه در حمله به ستون ارتش مدخلتی روز ۱۷ خردادین راه کار مباران - سنندج زخمی گردید و بعداً ناخواسته در میان در همان محل درگیری اعدام گردید.

خاطره اش جاودان باد!



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

اولین شماره «پیکار کردستان» منتشر شد

حقیقت مفاومت خلق گردا کنور... و آرد مرحله نوبتی از روند مبارزاتی خودگشته است. علمبرغم بیست کردن نیروهای سازگارا روکا سه لیبان رژیم جمهوری اسلامی به انقلاب، مفاومت حماسه آفرین خلق کردیا اتکاب شده های مسلح بیشتر که بیست ارتجاع را در کردستان بلرزه درآوردند است. در چنین شرایطی کارکا هکرا نه سیاسی و تشکیلاتی هر چه بیشتر بوده های زحمتکش و مبارزه اندنولوژیک باسی و برنامه و نظرات سازگاران و بیطور کلی انحرافی ضرورتی خاص یافته است. انتشار «پیکار کردستان» ارگان کمیته کردستان سازمان ما در حقیقت گامی در جهت ساختن کوی به این نیاز و ضرورت مبرم حسن مفاومت خلق کردی می باشد.

سومقاله
ضرورت انتشار پیکار کردستان
و سخن با هوشتاران

با توجه به مسیحه و سائزان باخته نام مدخلی اولاد مبارزات، هر وقت دیگری از مبارزات و طوایف خلق کرد در جهت تک خدختاری نیازند.

سومقاله
ضرورت انتشار پیکار کردستان
و سخن با هوشتاران

با توجه به مسیحه و سائزان باخته نام مدخلی اولاد مبارزات، هر وقت دیگری از مبارزات و طوایف خلق کرد در جهت تک خدختاری نیازند.

سومقاله
ضرورت انتشار پیکار کردستان
و سخن با هوشتاران

با توجه به مسیحه و سائزان باخته نام مدخلی اولاد مبارزات، هر وقت دیگری از مبارزات و طوایف خلق کرد در جهت تک خدختاری نیازند.

لوحه انتشار شهیدان
سازمان پیکار در راه آزادی مملکت آذربایجان
* عبدالمجید شرفی شهید ۱۶ اردیبهشت * حسن (امیر) افشار شهید ۱۲ اردیبهشت
* نجم الدین شرفی شهید ۱۶ اردیبهشت * محمود شرفی شهید ۲۵ اردیبهشت
* ابی انوری شهید ۱۶ اردیبهشت * علاءالدین شهید ۱۶ اردیبهشت

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک
آر و سم، با سنده خلفای سراسر ایران با آگاهی از وضعیت آنچه که در کردستان میگذرد، بسیاری خلق دلاور کرد در خیزند و از سبک رعا دلانه جنس مفاومت کردیستنی نمایند.

پیروزی پیشمرگان پیکار در "میرده"

استقلال ایران می‌تواند، دیگر بوجی و مسخره شود. ن ادعای رژیم جمهوری اسلامی امری بوده است نیست. سانه های بارز این واقعیت، آیدانه مبارزه و مقاومت مردم شهرهای اشغال شده و ضربات جانا نه پیشمرگان جنس مفاومت بر پیکار رشن ضد خلقی و با سدا ران ارتجاع در همان مناطقی است که جنبه بئنی مدردم از خاک کعبیت دولت "در آن مناطقی و یا کمازی" آنها میزند. از جمله این ضربات کار ری و پیروزیهای خلق کرد حمله پیشمرگان سازمان پیکار به یک ریوی ارتشی در جاده سقز - بانه میباشند. پیشمرگان سازمان در ۳۱ شهریور از ظهر روز ۵۹/۳/۲۵ در نزدیکی روستای "میرده" یک ریوی ارتشی را که به قصد گردنه خان حرکت می‌کرد محاصره کرده و به آن ایست میدهد. سرنشینان ریو که دا رای یک دستگا ها کلبیره ۵۵ بود دست به مفاومت می‌زنند و در پیوسته درگیری متقابل در همان ابتدا عده ای از آنها کشته شده و بقیه پس از مفاومت بیفایده ای تسلیم می‌شود (۵ نفر). در این جریان مقدار نسبتاً مهمی اسلحه و مهمات از جمله یک قبضه کالکلیبر ۵۵ و مقداری فشنگ آ.ن. ۱۲۰ قبضه فشنگ ز. ۳ و مقداری زیاد فشنگ بقیه در صفحه ۱۴

بیکار دیگر کردستان قهرمان موردبورش هیئت خاکمه ضد خلقی فرا رکرفت و نیروهای سرکوبگران (ارتش ضد خلقی و با سدا ران ارتجاع) وحشیانه تمام قوا به گستاخ و سرکوب خلق گردیده اند. خلق کرد و پیشمرگان - ان قهرمان آن برای حفظ دستا وردهای مبارزاتی خویش یکبارجه بیباختند و مقاومت و مبارزه ای حماسه ای آفریدند. سندنجد، سقز، بانو... جولانگه انبردستان انقلاب و فدا نقلاب گردید و کوجه و خبا بان، دست و کوه خلاصه شهر و روستا صحنه این پیکار طبقا تی گردید. هیئت خاکمه ضد خلقی با تمرکز قوای سرکوبگر خود چند شهر را اشغال خود در آورد و به خیال خوبیش "خاکمیت" خود را در آن مناطق برقرار نمود و دم زنیار "مدا نقلابیون" و "خاکمه مسئله کردستان" زد. ولی وقتی مسلم است این نه یکجده عتقا سرکوبگر و هیای مسلح بلکه خلق کرد است که برای کسب خود مختاری و آزادی و

می با شیم، باستی یک مطلب خیلی مهم را خدمتستان عرض کنم، بیدروما در عزیزیم شما با شنیدن اسم گروگان توسط پیشمرگان کرد در زهره براندانمان می افشاد و پیش خود فکرمی کردید که چه رفتاری عیراسانی بسا گروگان ها میکنند و دست و پای آنها را می شکند، آنها را شلاق می زنند و چیزهایی از این قبیل. در صورتیکه اینطور نیست البته شما هم حق دارید چونکه دولت است جا کیم برای انحراف فکرم مردم نصیحه را اینطور جلوه می دادند مردم سا دلوج و نا آگاه را بر علیه خلق کرد بیشتر اندوخته ها کسبت جان خود داده اند. این دولت تا کی می تواند مردم را فریب دهد و توسط رسانه های گروهی از فضل رادیو و تلویزیون و روزنامه و غیره فکرم مردم را در جهی که خودش می خواهد تغیر دهد یا لافچه مردم آگاه هم سود و دستگا هتم را بر هم می کوبند. آری بدم مردم و برادران و خواهران عزیزم شما می دانید که حویلیهای ما حتی در کردستان رخنه می شود و سهرها و روستا های کردستان را توسط حیلای فانوم و هلیکوپترهای کبرا که را کدی سندنو که هیچکس رحم نمی کند، برای آنها دخیر جدید رجه و با سیر مرد و بیرون و با بیشتر کفری ندارد. همه جا را یکسان می گویند بطوریکه در شهرهای سقز و بانو، سنج و دیگر شهرهای کردستان یک خانه سالم هم پیدا می شود و اهالی شهرها در آن روزی خانه خود را روستا های گریخته اند. حملات وحشیانه رژیم جار و خد خلقی که به کردستان نموده است روی حکمرانان معول و سگاه مطلوب را سفید کرده است. ناری سدر عزیزم هر چه از فحایع کردستان بگویم کم گفته ام، فقط میخواهم یک مطلب را یاد آید آن اینکه در هر جامعه ای که ظلم باشد، مبارزه هم هست و مبارزه روحی طلبانه خلق سراسر انجام می پیروزی بود. به امید آزادی همه خلقهای سندنوده ایران، بوزنه خلق کردستان، به امید آن روز و اسب چند کلمه را خود صحبت می کنم همانطوریکه در اول نامه مکتب... به گروگان کرده سدم از آن سارن سندنوده بررسی مثال کردستان برداختم. من الان در ریدان همسولی به آن ریدانی که شما فکرت را می کنید سندناسان من ما سندیک دوست، یک برادر رفتاری می کنید هر چه خودتان می خورید به من هم از همان غذا می دهید. تمام ساعت روز در سیرون از زندان منظوم محوطه حیاط می با تقدیمی زنده و به مطالعه کتابهای که انسان را از زیوغ سردگی و اسارت نجات می دهد مغفولم. جای خوابم از جای خواب شما هم بهتر است. در اینجا نه از ننگه خبری است و نه از زکشتن. حال بسیار خوب است و هیچگونه ناراحتی ندارم، بجز دوری شما عزیزان که آن همه امیدها و ندرجه زودتر تازه می گردد. من به زودی آزاد خواهم گشت و به شما عزیزان خواهم پیوست و آنگاه مبارزه خودم را بر علیه رژیم ضد خلقی شروع خواهم کرد. فقط شما را خدا قسم می دهم که از طرف من هیچگونه ناراحتی ندا سندنو با سید چونکه لزومی ندارد. در اینجا ما من رفتاری بسیار اساسی داریم. ما با سندیک ریدانی رفتار نمی کنید بلکه ما سندیک دوست. خیال شما از هر جهت کلا آسوده با سوده دروغهای دستگا ها کیم گوش ندهید. هر چه در کردستان می گذرد، آنها بر فکس جلوه می دهند. ولی این کارشان تا کی می توانید

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

پیکار

درباره مواضع انشعاییون حزب دمکرات

مبارزه‌ها در طبقه‌ای موجود در جامعه روبرو می‌شود. گروه‌های سیاسی را بیشتر در جایگاه واقعی خود قرار میدهد. گروه‌هایی که تا دیروز تحت شعارهای کلی دفاع از مردم به تبلیغ می‌پرداختند، اکنون در صحنه وسیع نبرد طبقه‌ای هر روز به روبرویی‌تر جا می‌گیرند و خود را روشن می‌سازند. انشعابات در گروه‌های انقلابی و مترقی و سایر نیروهای بورژوازی و ضد انقلابی، در گروه‌های سازگار و خودمعلول مبارزه‌ها در طبقه‌ای کنونی است. اگر در دوران رشد آنها مبارزه‌ها در طبقه‌ای سابق و وقت لازم بود تا غیرما رگبستی بودن یک منی (منلانی جزیکسی) روشن گردد، با آنکه به ما هیت حقیقی روبرو می‌شیم خروشنجی بی برده نبود است که می‌بینیم که در دوران کنونی چگونه روبرو می‌شیم خروشنجی مجبور است به سرعت چهره واقعی اش را در دفاع از بورژوازی نشان دهد.

۲- درهم ریختن مرزهای طبقاتی
از واحتریب و شایسته‌ترین وظایف روبرو می‌شود. مبارزه‌ها در هر یک از طبقاتی است. اگر حزب و رگبسته‌ها در زمان رژیم شاه خائن می‌گوشیدند بخشی از سرمایه‌داران وابسته را می‌توان "عنا مردوربین" واقع بین هیئت حاکمه "در صف متحدین خلق قرار دهد، اینک نیز همین عمل را روبرو می‌شود و با روبرو می‌شود. به وسعت زیاد انجام می‌دهند. آنها می‌گوشند نشان دهند که هم جنبه دولت و هم جنبه گروه‌های درگیر در مسئله گردستان هر یک در داخل خود به دو قسمت خلقی و ضد خلقی، انقلابی و ضد انقلابی، ما لپونا سالم تقسیم می‌شوند" (نقل از بیانیه انشعاب) یعنی اینکه دولت از سرکوب یک طبقه از جامعه توسط طبقه دیگر نیست، بلکه دستگاهی است که

جنگی‌های عادلانه را تحت پوشش "برادرکشی"، "هرج و مرج" و... محکوم کرده‌اند. آنها با طرح این مسئله که بیدنه اصلی ارتش‌های ضد خلقی را افراد سرباز که فرزندان کارگران و دهقانان هستند تشکیل می‌دهند، گوشیده‌اند. بر ما هیت طبقه‌ای و ضد خلقی این ارتش‌ها برده‌ها سرتیر می‌کنند. همانگونه که کیا نوری رهبر حزب خائن بوده بیش از سرگونی رژیم شاه خائن در ما حبه‌ای با ذکر این مطلب که افراد ارتش ما را ۹۰ درصد دهقانان و ۱۰ درصد کارگران تشکیل می‌دهند! می‌گوشید ما هیت ارتش ضد خلقی را بی‌وفا نه‌اند، اکنون جریان منشعب حزب

- روبرو می‌شیم ما همواره جنگ‌های عادلانه را تحت پوشش "برادرکشی"، "هرج و مرج" و... محکوم کرده‌اند.
- منشعبین می‌خواهند نشان دهند که اصلاً جنگ گردستان جنگ بین فتودان‌هاست که بوسیله عوامل اوسسی بر اه انداخته شده است.
- همانگونه که کیا نوری رهبر حزب خائن نوده بین از سرگونی رژیم شاه خائن در ما حبه‌ای با ذکر این مطلب که افراد ارتش ما را ۹۰ درصد دهقانان و ۱۰ درصد کارگران تشکیل می‌دهند! می‌گوشید ما هیت ارتش ضد خلقی را بی‌وفا نه‌اند، اکنون جریان منشعب حزب دمکرات گردستان در توضیح ما هیت نیروهای مسلح درست به ذکر همان اباطیل می‌پردازد.

هم در خدمت خلق است و هم ضد خلق و وظیفه ما تقویت "جناح خلقی" است. "درست دولت شخصیتی چون امام خمینی وجود دارد که با فروتنی از پیشمرک و سرسار غاخرانه‌ها که در کف می‌کشد را از سینه هم بردارند و نتواند آمریکا کنند." (همان) بیانه ذکر نمیکند که منظور خمینی از آمریکا کسی جز خلق گرد و سمنگران تهرمان آن نیست. مگر هم و تشوید که با وضوح تمام عزالدین حسینی و نیز گروه‌های مبارز و انقلابی گردستان را ساواکی و عامل آمریکا نامید؟ مگر هم و تشوید که گفت "خیار با بد ز گردستان تصفیه شوند، دیگر نیاید به اینها مهلت داد، با بد دست پا کساری شوند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۲۷) افراد منشعب می‌گوشند تا با آوردن امثال بختیار روپا لیزبان در صف نیروهای که در دفاع از منافع خلق کردی جنگند مبارزه خلق گرد را لوث کرده و ریز زمین انقلاب و ضد انقلاب را در هر ریزند و این در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی تلاش می‌کند از سخنان و بیانات اپوزیسیون تروق ارتجاعی بختیار و اعیان و انمارش برای تبلیغات علیه انقلابیون رزمند خلق کرد جداگانه استفاده را بنماید. پس می‌بینیم که این خائنین در اینجا نیز چگونه به رژیم‌بازی می‌رسند.

روبرو می‌شیم اگر چه مجبورند اعتراف کنند که رژیم چگونگی "برای مقابله با آن (خواسته‌های خلق کرد) بیگانه را تا نکت و توب و هوا پیمای راه انداخت و سیل خون روان ساخت و شهرها را به ویرانه تبدیل نمود، هزاران خانواده‌ها را از راه و در بدر کرد" (بیانیه مسموم) اما می‌گوشند تا عا بلین این جنایات را آگاه‌ها را بدینند. و در عوض مسئولین را هم بدوش خلق کرد و هم بدوش دشمنان خلق کرد سیدها زد. آنها سراسر می‌سازند ما هیت بخا و رکر رژیم جمهوری اسلامی عامل ایجاد دیک را اینگونه معرفی می‌کنند:

"طبق اسنادی که در اسناد دشمنان مسلحان و پسر و خط

دمکرات گردستان در توضیح ما هیت نیروهای مسلح دولت به ذکر همان اباطیل می‌پردازد:

"فوزدان این آب و خاک به ما پیشمرک و سادار و سرباز در زیر پریم قرار داده دیده‌اند."

طرح این مسئله که سرکوبگران خلق کرد (با سادار - ان و ارتش) به عنوان "فوزدان" این آب و خاک هستند چه معنوی جز مغشوش کردن مرز طبقه‌ای نجیب عنوان "فوزدان" این آب و خاک دارد؟ بله همه می‌دانند که سربازان و درجه‌داران و افسران جز برخاسته از میان زحمتکشان هستند ما مسئله این است که ارتش ضد خلقی از اینان به عنوان آلت دست استفاده می‌کند. بنا بر این به اعتبار اینکه اینها از مردم هستند نمی‌توان بر ما هیت ما شین سرکوبی که اینان را به بیخ و مهره خود تبدیل کرده است سرپوش گذاشت. گوشیدند و انقلابیون هوا را تلاش می‌کنند که لایه‌های با شینی ارتش را مورد تبلیغ قرار دهند و حتی در میان عناصر آگاه آن کارشکلیاتی - مخفی را سازمان دهند! ما این بهیچوجه به معنی تطهیر کل این سیستم نیست. مگر سربازان کشتارگر آمریکا در سرکوب انقلابیون ویتنام ما حبان کارخانجات بودند؟ مگر سربازان ارتش کودتاگر شیلی فتودان یا سرمایه‌دار بودند؟ یا از این مسئله می‌توان نتیجه گرفت که ارتش در یک نظام ارتجاعی ضد خلقی نیست؟! بی تحریفی ایاسی است. که به کمک آن می‌گوشند تا جنگ ملی طبقه‌ای جاری در گردستان را جنگ برادرکشی ذکر کنند. و ما می‌دانیم و نیروهای سرکوب ضد خلقی دیگر چون سپاه‌داران را بی‌وفا نه‌اند ما هیت ارتش سپاه‌داران و... سادار است که همای ضد خلقی را که از سرکوب هیئت حاکمه علیه توده‌های ستمدیده است ما هیت نظام و رهبری آن تعیین می‌کنند و نه افراد تشکیل دهنده سطوح پایین. عین همین اباطیل را شاه گردستان سازمان چریکها نیز بیان می‌کند.

موقنیت انقلابی در گردستان نیز سمنان و ندجین مسائلی را بدینال نشانده‌اند. ناخه گردستان سازمان چریکها که سرانجام پس از نوبان زساد و نشستن میان دو صندلی خزعبلات روبرو می‌شود است. شده‌ای را پذیرا اند و همچنین انشعاب جدید در حزب دمکرات گردستان (ب) پس از مدتی سازگارانه رهبری این حزب در طول فعالیت پس از ناسیس مجدد آن، که بی‌وفا نه‌اند بخشی از آنها را به هیئت حاکمه ضد خلقی بدینال داشت از جمله این مسائل می‌باشد. بر این اساس انشعاب جناح حزب توده‌ای رهبری حزب دمکرات از این حزب جدا شده و بیانه‌های را در رابطه با توضیح این انشعاب اینبار داده‌است که بطور اجمالی نظری بدان می‌افکیم.

۱- پوشاندن ماهیت ضد خلقی ارتش و ارگانهای سرکوبگر

بیانه‌های که بخشی از رهبران حزب دمکرات انتشار داده‌اند به وضوح همان جملات روبرو می‌شود است و رگبسته حزب توده را مورد تکرار قرار داده‌است. برای هر نیروی انقلابی و روبرو می‌شیم واضح است که مبارزه طبقه‌ای بین خلق و ضد خلق می‌تواند تکامل خاصی را پشت سر گذارد. از این روبرو می‌شیم در این مبارزه طبقه‌ای می‌گوشند تا بهترین وضع ممکن بسود جنبه انقلاب به مبارزه بر خیزند. روبرو می‌شیم همواره

(ب) - ما در باره ما هیت حزب دمکرات در پیکار ۳۱ مقاله "شیوه برخوردی رولتری یا خرده بورژوازی؟" مواضع خود را شرح داده ایم. در اینجا برای روشن شدن این مواضع نقل قول‌هایی را ذکر می‌کنیم:

"جناح‌های رهبری حزب غیر غم‌پوشان پدشولوزیک متفادوت (روبرو می‌شیم، المیرال تا سیونالستی) مجموعاً شما بندگی بورژوازی را دارند. خط مشی سیاست آن اساساً بورژوازی و بنا بر این حزب با بورژوازی حاکم از مقوله تقابل بورژوازی ملت ستمدیده (با شما می‌خصوصیات بورژوازی در مرحله انقلاب دمکراتیک توده‌ای در عصر امیر - یا لیسیم) با بورژوازی ملت حاکم ستمگرا است. بدون شک در دوران حزب کراشتا خرده بورژوازی دمکرات وجود دارد که در رهبری شما بنده‌ها شده و در خط مشی عمومی و سیاست عملی حزب ستمدید و تا شیر قابل توجهی ندارد."

اما ما را شده اده اند معلوم شده که توطئه جنگ را نوکتران اویسی به کمک آبادی خود در زاندارمری بین فتوای الهی منطفه بوجود آورده اند.

اولا در مورد دانشجویان بیروخط اما موا ساد آنها با بیستی گفته بود که از نظر آنها نماز و تغذیه بیون خلق کرده آمریکا و ساوا کی هستند و با لنگس ایسن حزب جمهوری اسلامی است که دشمن دیرینه آمریکا میباشد همان حزبی که یکی از روسای آن (خامنه ای) اعلام میکنند که "در کردستان کفر ما رکسینی و کفر آمریکا می باشد" (جمهوری اسلامی - ۵۹/۲/۲۷) وی میگوید با بحریک احساسات مذهبی بوده های نا آگاه علیه انقلابیون بپردازد.

تا نیا با این جملات سعی میکنند با ندهد که اصلاحات کردستان جنگ بین فتوای الهی است که بوسله عوامل اویسی بر اه اداخته شده است. آری فتوای انقلابیون بدینسان ما هب عادلانه جنگ خلق کرد را که بین خلق کرد و روسکو و کویکران آن سعی نرو- های مسلح دولت فذخلعی کنوسی جرمان دارد. جنگی غیرعا دلانه فلهما دینکند. اینجا روس می کنند که اگر جنگ بین فتوای الهی است پس در این میان اریسن جمهوری اسلامی چه میکند؟ تا کنون که ما غیر غم بیز- کوشی های هشت حاکمه خیری را اعدای الهی فتوای الهی منطفه نموده ایم! و برعکس با حال آنها ایسن انقلابیون بوده اند که به خلق سلاح نیروهای ارجاعی نظیر سیا هرگز کاری و سایر نیروهای یعنی بردا خاند اسن دهقانان مسلح گردیده اند که در مسپهای فتوای الهی - ها را مبادره نموده اند و این رژیم فذخلعی حاکم است که از طریق جرماسا و طیمیرزاده ها هوا راه یافته - موقتها و دیگر خا سونا امیربا لسم دفناج کرده و علما با آنها رابطه برقرار می نماید و دست به شویستان میزد و آنها حیزهائی است که حتی با استکان "دفتر امام" (نظراً فای بها در ان) سزا سزا شد گردانند.

۳- توضیح "جنگ طلبی" از نظر منتسبین

از نظر منتسبین رویزیونیست "جنگ طلب" کسی است که با بس را ارجحاً رچوب خواستهای مورد قبول رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد. در اینجا ما گفته های تا خه کردستان سازمان حزبکها و نیز منتسبین حزب دمکرات این نکته به صراحت بیان شده است.

حزب توده همواره در دوران رژیم ما به برای منحص نمودن فاصله خود با نیروهای انقلابی بیان میگرد که خواسته های آنها فراتر از قانون اساسی شایسته و حتی میا رزه! آنها با دیکتاتوری هرگز به رژیم سلطنتی تاجا ورنخواهد کرد و خلاصه آنکه خواهان فعالیت در چهار - چوب تعیین شده توسط رژیم فذخلعی ما هبند.

سازمان چریکهای فدایی (بخش رویزیونیستی) تا خه کردستان نیز همین سازگاری خود را با قبول فعالیت تنها در چهار چوب مورد قبول رژیم جمهوری اسلامی نشان میدهد و هر خواست خارج از این چارچوب را "جنگ طلبانه" می نامد.

تحقیق با راهای خواستهای خلق کرد از طریق مذاکره و گفت و شنود با دولت قابل وصول است و میتوان بر سر آن خواستها با حکومت به مذاکره نشست. طرح خواستهای حداکثر آنجا که قابل وصول نیست به معنای ادا نه جنگ و در گمب سری خواهد بود که نتیجه آن تضعیف مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم ما باشد. (بسیار به س.ج. شاه کردستان، چاپ شده در مردم ۵۹/۲/۲۴)

و سپس از دولت میخواهد که مول مورد پذیرش در باره خود مختاری کردستان را هر چه سریعتر اعلام کند. تا این آقایان بفهمند که دیگر کدامیک از خواستهای خلق کرد را با بنام دیده گرفت تا بکنند با از چارچوب خواست رژیم فرا تریکذا رند.

منتسبین حزب دمکرات بیژبا طرح عین همین مطالب سرانجام نتیجه میگیرند که:

"نمونه طرح ۲۶ ماده ای خود مختاری کردستان بوضوح نشان داده که رهبری جنبش کردستان"

"اگر دوباره نخواهد جنس هیئت هائی که تاکنون هیچ اثری نداشته در دست کنند ما قبل از همه همین هیئت حسن نیت را به رگبار خواهم بست."

(جمهوری اسلامی - ۵۹/۲/۲۷)

۴- ضد انقلابیون، سازشکاران را بهترین مدافعان و نمایندگان خلق می دانند

اما آخرین نکته ای را که فصدنا ریم بدان اشاره کنیم آنست که منتسبین چه کسی را بهترین نماینده

همه می دانند که سرپازان و درجه داران و افسران جزا بر خاسته از میان زحمتکشان هستند اما مسئله این است که ارتش ضد خلقی از اینان بعنوان آلت دست استفاده میکند. بنابراین به اعتبار اینکه اینها از مردم هستند نمی توان بر ما هیت ماشین سرکوبی که اینان راه پیچ و مهره خود تبدیل کرده است سرپوش گذاشت. کمونیستها و انقلابیون همواره تلاش می کنند که لایه های یائینی ارتش را مسور د تبلیغ قرار دهند و حتی در میان عناصر آگاه آن کار تشکیلاتی - مخفی سازان د دهند اما این به هیچوجه به معنی تطهیر کل این سیستم نیست.

افراد منسعب می گویند نای آوردن امثال بختیار و الیزابا در صف نیروهای که در دفاع از منافع خلق کرد می جنگد مبارزه خلق کرد را لوپ کرده و رمزین انقلاب و ضد انقلاب را در هم ریزند و این در حالست که رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند از سخنان و بیانات اویزیونیون فوق ارجاعی بختیار و اعوان و انصارش برای تبلیغات علیه انقلابیون رزمند ه خلق کرد حد اکثر استفاده را بنماید.

در جهت حاشیای جنگ طلب قدم برداشته است. چرا که پس از بیام تاریخی اما خمینی که با اصل اصول رفع تبعیض از خلق کرد سود (منظور طرح خود کرداری)... به خره آزا طرح سرکرداری نام نهادند... و به اجرای نقشه ضد انقلاب کمک نمودند... برای تحمیل خود مختاری مورد نظر به دولت طرح ۲۶ ماده ای هیئت نمایندگان خلق کرد را بیستی کشید که ابتدا معلوم بود قابل اجرا نیست. (نظرات مواعع خصی از کا در رهبری حزب دمکرات مردم ۵۹/۲/۲۸)

معنی خلاصه آنکه هر خواستی که در چارچوب مورد موافقت رژیم ما نبود قانون اساسی فذخلعی رژیم بکنند نیا به طرح نبود و طرح آن سعی "جنگ افروزی" و کمک به "فدا انقلاب". این جملات چیزی نیست جز به بند کشیدن توده ها و جلوگیری از طرح خواستهای زحمتکشان روشن است که این یعنی محدود نمودن نیرو هسای انقلابی در چهار چوب نظام مراما به داری وابسته گسه حفظ و بازسازی آنرا رژیم کنونی سرعده گرفته است که منتسبین حزب دمکرات افسوس میخورند از اینکه "با عدم شرکت در نخستین فراتندوم اعلام جمهوری اسلامی ایران عملاً خلق کرد در موضع مقابل به جمهوری اسلامی گنا نه شد و عدم شرکت در فراتندوم قانون اساسی نیز اشتباه دیگر رهبری حزب بود". این نظرات عمق خیانت این جریان را بخوبی نشان میدهد.

اما خلق کرد و همه نیروهای انقلابی و مردم آگاه ایران که ما هدا عمل رژیم بوده اند میداند که جنگ طلب هیئت حاکمه است و سی دلیل نیست که هیئت های حسن نیت دولت چیزی جز فریب و تحمیل خلق کرد سرد بوده و در عمل با هیئت نمایندگان خلق کرده بحث نیردا خیه و سپها با آنها شئی که سیاست سازش و خلق سلاح کامل و تسلیم در سراسر هیئت حاکمه و فرما سزاداری از ارتش سرکوب کردستان را پذیرند و اپردخت میشود (دولت هیچگاه ما کرو هها را به صلح مذاکره نخواهد کرد. سنی صدر ۵۹/۲/۲۸). همیطور حزب جمهوری اسلامی که حتی با چراغ سبزسان دادن به نیروهای تسلیم طلب و سازشکار و نیز رزی خوش نشان نمیدهد و همانند است - الله خمینی که میگوید "دیگر نیا به نیه اینها مهلیت داده شود با بد در ست با کما زنی بشوند" بیان میکنند که:

خلق کرد میدانند. آنها اسدا کوسده اندما "ج" روی (!؟) های مرکزیت را دلیل کم شدن سروهای حیرت دمکرات ندادند و جنس سان دهنده که ساسپای جب - روانه! مرکزیت با خواستهای خلق کرد و هس با آنها جور در ساد و خلق کرد اس ساسپا را نمی بدید. بخوبی می دانست که آنچه که روز بروز بوده های با شئی حزب دمکرات راه سمت سروهای انقلابی سوی می - دهد و اجمع و عمل کرد کروهیای انقلابی و ما هب سارس - کار راه رهبری حزب دمکرات می باشد. به همین دلیل با کم شدن نمودن حزب دمکرات ما ما هب ما کرفتن سروهای انقلابی در کردستان همسم. و اس خلاف اس مسئله را سان میدهند که منتسبین میگویند:

"در نتیجه اس ساسب (منظور عدم رای دادن به قانون اساسی جمهوری اسلامی است) و معانات و دسیاله روی از منی غلط این گروهها (حسباً منظور سان کوله و بیگار و... است). اعتباراً و احراماً مومعود حزب ما که رینه ا ساسی و وجدین ساسله در فلسوب خلق کرد را رده شدت مده مدید."

در حالیکه میدانیم که فتا رتوده ها که با بیوست و کوش خود ما هیت ارجاعی هیئت حاکمه را حس میگردند سبب شده حتی سروهای سازگاری چون حزب دمکرات محسور شدند دست به اسلحه بردند و قانون اساسی جمهوری اسلامی را ی منبت نه هندا آنجا که حتی حزبکها - های فدائی تا خه کردستان اعلابیه مربوط به آرزوی سلامتی اما خمینی را که به امای سازمانتان بود از "جملیات کوله و بیگار" علیه آنها در کردستان عنوان میگردند و جرات نمیگردند مواضع سازشکارانه خود را در برابر رتوده های خلق کرد سرکردن گیرند.

و آنجا که منتسبین حزب دمکرات در ادا مده حرکت حزب و جب رویی آن سخن به انجام میرسانند که: "حزب ما مبتدا به یک پوسته تو خالی و شکل بسی - محتواس."

اما آنجا که این جریان رویزیونیستی محسوبینی در بین توده ها نداد همان حزب دمکرات را با وجود همین صفائی که بدان نسبت میدهند تنها نماینده خلق کرد میدانند:

بقیه از صفحه ۱۲ درباره...

دست خون آلود جلادان از گلوی فرزندان خلق کوتاه!

ز سائید و در سوستگرد، بقدمکمک به مردم محروم بخدمت مشغول شد. در حین خدمت در سوستگرد یکی از ایادی ساواک (۱) درگیری می یابد و حتی اقدام به دستگیری وی نیز میشود، ولی دکتر نریسی با کمک مردم موفق بفرار شده و در تهران مخفیانه بکار مشغول میشود و دوستان ایشان شاهد کمکهای مادقانه وی در جریان درگیریهای ۱۷ شهریور در بیمارستانهای تهران میباشند. سپس بقدمدرمان مجروحین، به هوا زرقته و تعداد زیادی از آنان را در منزل مورد مدد و اقوامیده. پس از پیروزی قیام به سوستگرد میروند تا مجدداً به طبابت بپردازد، ولی در نهایت تا سف شخص ساواکی فوق الذکر در کمپته آنجا وارد شده و سونا مبرده دکتر نریسی ساواک تهدید میکند که صاحبان را نطفه خواهد کرد. خوشبختانه با تلاشهای دکتر نریسی ساواک فرار کرده و آیت الله طالقانی در جریان این موضوع قرار گرفته و این شخص فاسد از کمپته اخراج میگردد. ولی بعطت نفوذ برادران این شخص که از روحانیون اهواز است، دکتر نریسی سار ساعت ۵/۵ بعد از ظهر دوم اردیبهشت در محل کار خود در بیمارستان گلستان اهواز دستگیر میشود. گستاخی بجائی رسید که شخصی بنام آقای لر، که از ایادی فرد فوق الذکر است در حضور یکی از پزشکان بیمارستان که او را طرفدار خود می پنداشته اعتراف میکند که دکتر نریسی ساواک بقتل خواهد رسانید حتی اکروی آزاد شود دستور داده او را شنا سازی کرده و بکشند.

در تاریخ ۵۹/۲/۲۱ کانون دستیاران تهران نامهای شماره ۱۴۷۸ مورخ ۵۹/۴/۲۱ به منظر بوزیر بوزی علل دستگیری این پزشک رنجیده و وزیر علوم مسلم گرد و رونوش آن به دفتر ریاست جمهوری، شورای انقلاب، وزیر بهداشت، سازمان نظام پزشکی ایران و روزنامه های کیهان، اطلاعات، انقلاب اسلامی و با مداد ارسال گردید و نما پندگان کانون دهستانان نیز با بررسی و تحقیق دقیق در منطقه و جمع آوری مدارک مستدل و اظهارات شهود عینی اعلام گردید که شهادت واره رده ده دست نریسی ساواک کلا سی اساساً و نامبرده هیچ نقشی در درگیری تالار شهرداری که منجر بشهادت چهار زندانی شد، نداشته است.

نمایندگان کانون دستیاران تهران بارها با بسیاری از مقامات مملکتی از جمله دفتر ریاست جمهوری، مشاوران قضائی و پزشکی رئیس جمهور، آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله خا منهای، دکتر سامی، دکتر حبیبی، مهندس صبغان و... تماس گرفته اند و خواستار ارائه مدارک موجود نزد کانون دستیاران تهران دال بر بیگناهی دکتر نریسی ساواک بقیه در صفحه ۱۲

(۱) - ساواکی مذکورها دی کرمی نام دارد و برادر آیت الله کرمی از روحانیون اهواز و نما بنده مجلس خیرکان میباشند. این مزدور که در زمان شاه شاهین به علت تخاصم و زبونی از طرف دکتر نریسی ساواک فرار کرده بود، پس از پیروزی قیام بهمن ماه، رئیس کمیته انقلاب سوستگرد گردید. (پیکار)

سحرکا روز جمعه ۵۹/۴/۶ با ردیکردستان ساه و چنا بیتکار رژیم جمهوری اسلامیه بخون پزشک آزادهای که خود فرزند رنج بود و زندگی را در خدمت زحمتکشان تیرا داده بود، آلوده گشت. رژیم ضد خلقی حاکم که در تا بیست سال گذشته دگتر رشوت سرداری را به جرم عس و رزی به آرمان زحمتکشان به جوخه عدا م سپرده بود، امسال دگتر اسماعیل نریسی ساواک و جراح بیمارستان دانشگاه اهواز را پیمان جرم بدست جوخه آتش سپرد و این در حالیکت که سرسپردگان رژیم مزدور شاه یکی پس از دیگری از زندان آزاد میشوند. اما،

در زیر تیغ سلطنت پینجا سالکندنگین، در زیر کربا رمدام توپ و تانکا، در زیر شکنجه ها و وحشت زندان ما گشته اید و میوزجر کشیدیم. اما هرگز، هرگز نمردیم. به ما جان تازه مکنید با نسیم میریم. برسینه های خویش کلبوته های کلود را بذر انجم

لیکن ما نسیم میریم ما ز تبار تسلیم نیستیم ما بدفردای سرخ می اندیشیم!

رژیم جمهوری اسلامی در بوقیای تبلیغاتی او را فدا انقلاب نامید و ما او دو انقلابی دیگر را در کنار قاچاقچیان اعلام کرد تا خیال خام خود چهره انقلابی آنها را لوث نماید، اما کرد خوانده بود، اعلام ایس پزشک انقلابی موج کشنده ای از اعتراض راهبران داشت و مثل همیشه رژیم را سوانمود. پزشکان دوره های تخصصی دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز بیست و سه اعتراض به اعدا م و بصد سه روز از کار در درماتیکا هیا خودداری کردند. همچنین کانون دستیاران تهران با انتشار اعلامیه ای که متن آن را در زیر می آوریم اعدا م دکتر نریسی ساواک محکوم کردند. ای جلاد شکست باد!

دان خواهی از پیشگاه ملت مبارز ایران

دکتر اسماعیل نریسی ساواک در سال ۱۳۴۴ در هفتکمل در بیک خانواده کارگری متولد شد و بواسطه فقر خانوادگی نتوانست بدیستان راه یابد. ولی در اشرف و افریه کسب علم، اوقات زیادی را پشت پنجره مدرسه می گذرانید، تا سرانجام پس از ۲ سال توانست به مدرسه راه یابد. در سالهای آخر دبیرستان بعطت ابتلا به بیماری سل دو سال در بیمارستان سرخه صابریتری گردید تا اینکه با لاجرم تحصیل دبیرستانی را به اتمام رسانید، ولی بدلیل احتیاج خانواده از رفتن به دانشگاه منصرف شده و با ماهی ۵۰ تومان به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در حین خدمت آموزگاری بعطت مبارزات سرخانه علیه رژیم منحط پهلوی مرتسب مورد آزار و اذیت و تبعید بود تا اینکه در سال ۱۳۴۷ به دانشکده پزشکی اهواز وارد شد و در دوران دانشجویی نیز فعالانه علیه رژیم شاه مبارزه میکرد. در سال ۱۳۵۴ دوره دکتری پزشکی را با پایان

"حزب دمکرات کردستان ایران باریشه های تاریخی و نفوذ و اعتباری که در میان خلق مسادارد، بزرگترین و یگانه مسئول مسائل کردستان بوده و هست".

پس بطور خلاصه با یستی گفت که شدت یایی مبارزه طبقاتی و تلاطمات سیاسی هر روز بیشتر انمکسا خود را در تشکلهای سیاسی نشان میدهد. بهمان طریق که این مبارزه طبقاتی، جناحی از فدائیان خلق را به رها کردن تژ "بین دودمدلی" و پذیرش رویزیونیسیم خروشچی گشاند، بهمان طریق جناح توده ای حزب دمکرات نیز در طی پروسه ای از تقیه رهبری بورژوازی حزب دمکرات (که خواهان خود مختاری بورژوازی در چهار چوب جمهوری اسلامی هستند) جدا شده و بطور کامل مواضع خود را در هم آوایی با هیئت حاکمه ارتجاعی اعلام نمود بدون شک با حدت یایی بیشتر مبارزه طبقاتی بویژه در آن تشکلهای کمونیستی و دمکراتیک که دچار مواضع تزلزل و سازشکارانه نسبت به هیئت حاکمه هستند چنین سیری را طی خواهند کرد. مواضع سیاسی - ایدئولوژیک تشکلهای سیاسی هر روز بیشتر تطبیق واقعی خود را با واقعیت عینی مواضع سیاست اقشار و طبقات اجتماعی نشان خواهند داد.

بقیه از صفحه ۶ پیروزی...

آن مقدار زیادی نارنج یک قبضه مسلسل ام ۳ همراه با مقداری فشنگ و وسایل دیگری بدست پیشمراگان افتاد.

این پیروزی موجب خوشحالی فراوان مردم روستا - های اطراف و همچنین مردم بویکان گردید و آنها شدیداً از آن استقبال کردند. در کسب این پیروزی که در نتیجه فداکاری و از جان گذشتگی پیشمراگان بدست آمد، پیشمراگه قهرمان عطا طاطائی با عشق بیکران به آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و با فکر پیروزی نهایی آنان مورد اما بت گلوله های دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید. پخلوه یک پیشمراگ دیگر مورد اما بت گلوله کالیبره ۵ قرار گرفت و دستش زخمی گردید.

بعد از این پیروزی مزدوران ضد خلق که ضربیه جاناتهای دریافت کرده و به خشم آمده بودند، و حسیانه به روستای اطراف محل درگیری هجوم برده و بعد از اذیت و آزار مردم روستا ها و شهیدان آنها به قتل، عده ای را بدون دلیل دستگیر می کنند. این بیان پستی و زذالت و همچنین ضعف نیروهای ضد خلق و ارتجاعی است که برای قرونشاندن خشم خود و ممانعت از حمایت بیدریغ توده های زحمتکش از پیشمراگان قهرمان، و حسیانه به مردم بی دفاع حمله برده و به اذیت و آزار آنها و از بین بردن خانه و گاشانه آنها می پردازند. این اعمال ضد خلقی ثابت می کند که هئیت حاکم جمهوری اسلامی و ارتش و پاسداران آن هیچگونه یایگی در میان خلق کردند و رند و "حمایت آنها از" مستضعفین چیزی جز دروغ و عوام فریبی نیست.

(نقل به اختصار از پیکار کردستان شماره ۱)

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

رهنمودهائی در زمینه تهیه خبر و گزارش نویسی

هدف از چاپ و درج اخبار مبارزاتی و گزارشات در یک نشریه انقلابی و کمونیستی گذشته از نشان دادن سطح مبارزه‌ای که در جامعه جریان دارد، انتقال درسه‌ها و آموزشهای آنها به عناصر و نیروهای مبارز و انقلابی میباشد، که این دومی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در نظر گرفتن نکات بالا هنگام تهیه خبر و گزارش بسیار ضروری است. گاهی اوقات اخباری که بدست ما میرسد بقدری ناقص و مبهم است که، هیچ نکته‌ای را مشخص نمی‌کند، مثلاً "زمان و مکان" و حتی گاهی انگیزه‌های یک حرکت اعتراضی در آن نامشخص است.

نکاتی که در تهیه خبر و گزارش باید مورد نظر قرار گیرد. اخبار و گزارشهایی که برای یک نشریه کمونیستی تهیه و ارسال میشود معمولاً در باره اعتصاب، تحصن، راهپیمایی، مسائل و مشکلاتی که کارگران و زحمتکشان با آن درگیرند و عکس العملشان نسبت به آنها... و اشکال گوناگون مبارزه حق طلبانه و طبقاتی توده‌ها میباشد. ما در اینجا بعنوان مثال نکاتی را که در تهیه گزارش یک اعتصاب کاری باید مورد توجه قرار گیرد ذکر کرده و یادآوری می‌نماییم که برای تهیه گزارش در موارد دیگری که در بالا ذکر شد نیز، رعایت این نکات بسا کمی تفاوت ضرورت دارد.

۱- مشخص کردن مکان و زمان اعتصاب در هر گزارش باید مشخص شود که اعتصاب (ویا هر حرکت دیگر) در کجا و در چه زمانی صورت گرفته است. ۲- دادن اطلاعات عمومی در باره کارخانه و مشخص کردن وضعیت سرمایه آن قبل و بعد از قیام در آن مورد بهتر است مشخص شود که سرمایه کارخانه متعلق به چه کس یا کسانی بوده و درصد سهام هر کدام چقدر است و...

۳- در این رابطه بخصوص لازم است که میزان سرمایه‌های امپریالیستی و دیگرو استیگهای هر کارخانه روشن شود. ۴- مشخص کردن تعداد کارگران و سابقه مبارزاتی آنان قبل و بعد از قیام و نیز درصد کارگران (بیشتر و متوسط و عقب مانده).

۵- مشخص کردن خواسته‌های (صنفي و سیاسی) که کارگران برای رسیدن به آنها دست به اعتصاب زده‌اند. ۶- از آنجاکه هیچ اعتصابی خلق الساعه و ناگهانی پانته‌ای نیست لازماً بروسه‌ای که منجر به شکل‌گیری اعتصاب گشته در گزارش روشن شود.

۷- مشخص کردن رهبری اعتصاب در این مورد باید مشخص شود که رهبری اعتصاب بدست کیست عناصر ریگبری یا سازشکار یا ترکیبی از هر دو... ۸- از آنجاکه معمولاً پس از اعتصاب کردن کارگران، دولت به حمایت از سرمایه دار و کارفرما روی کارگران قرار میگیرد و این مسئله تا پایان اعتصاب (شکست یا پیروزی آن) وجود دارد، بنابراین در گزارش باید برخورد دولت و ارگانهای آنان که در این رابطه بسا کارگران روبرو می‌شوند و همچنین عمل و عکس العمل و طرف بطور دقیق‌الکتیکی روشن گردد.

۹- هر اعتصاب، تحصن و... سرانجام به پیروزی و یا شکست مرحله‌ای منجر می‌گردد. یک گزارش درست باید عوامل مؤثر در پیروزی و یا شکست را بخوبی نشان دهد. ۱۰- آخرین و مهمترین قسمت هر گزارش اعتصاب،

بقیه از صفحه ۲

کلاهبردار...

از اوضاع آنها کم‌تره است. (در پرونده دکتر فامیلی موارد سو، استفاده از اموال صنعت نفت وجود دارد.) دکتر فامیلی پس از گرفتن حکم بر اشد بعنوان استاد در دانشگاه تهران (با حفظ سوابق شرکت نفت) مشغول کار میشود.

بررسی‌ها و تحقیقات بعدی شورا راجع به هویت رهنا هزاوه‌ای (دکتر تحیدری) نشان میدهد که این شخص از سرپرستان رژیم پیشین بوده که در برگزاری جشنها - ی سنگین ششمین سالشاهي نقش مؤثری داشته است. همچنین به علت داشتن پرونده‌های در زمینه

بقیه از صفحه ۱۶

ماشاءالله...

عده‌ای از او با ش و همپالکی‌های نظیر خودش راجع - آوری کرده و هشدادها است که جلوی فروش تشریفات انقلابی را خواهد گرفت.

حال اینکه چگونه این جناب با وجود پرونده سنگین و استگنی اش آزادانه در بندرانزلی جولان داده و حتی نیروهای انقلابی را تهدید میکند، سوالی است که جواب آن را خود رژیم "جمهوری اسلامی" در یکسال و نیم اخیر به زحمتکشان میهن ما داده است. رژیم "جمهوری اسلامی" که در یکسال و نیم گذشته مزدوران و وابستان و ساواکیها را به کردخوبی جمع کرده و ساواک جهنمی را بنام "ساوا" با رسانی میکند و در همه جا به سرکوب نموده‌های زحمتکشان مشغول بوده، احوالاتی بسا "ما شاء الله" خواهد داد.

از نظر رژیم جمهوری اسلامی، ما شاء الله قصاب "برادران" مدعی و "ساران" خوبی برای وی حساب می‌شوند. ما شاء الله قصابها کسانی هستند که در دوره حکومت اسلامی خدمات ارزنده‌ای به این رژیم کرده‌اند و در بخوبی از عهده وظایف "اسلامی" خود که چیزی جز سرکوب مبارزات زحمتکشان و دستگیری و کشتار انقلابیون نمیباشد برآورده‌اند. ما آنها با پدید آمدن زحمتکشان گیلان که کشتار می‌دادند، انزلی، کشتیبار دادنگاه گیلان و خیابان تختی و... را دیده‌اند، هیچ‌گاه به چنین اوباشانی اجازه نخواهند داد که تا احساسات بسا که آنها بازی کرده و آنها را به رودررویی بسا بگذراند و نیروهای انقلابی و کمونیست بکشانند.

سنگ و نفرت بر توطئه‌گران

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و رنج داغی

(نقل از تراکت شماره ۱۴ حوزه گیلان سازمان - ۵۹/۴/۲ با اندکی تغییر)

تحصن و... درسه‌ها و آموزشهای آنست. ایمن قسمت باید بر اساس جمع بندی از نقاط ضعف و قوت اعتصاب تحصن و... مشخص شود.

در زمینه تهیه گزارش یک میتینگ لازم است گذشته از توجه به بسیاری از نکات مذکور بالا میزان استقبال (تعداد جمعیت شرکت کننده) شعارهای روی پلاکارد و شعارهای بیکه توسط جمعیت تکرار می‌شده خلاصه و محور سخنرانی و پاسخها، چگونه پایان آن، (همراه با درگیری یا بدون درگیری) و... مشخص شود. همچنین در مورد گزارش یک راهپیمایی باید علت و مناسبت آن، زمان و مکان شروع و پایان، شعارها (شعارهای روی پلاکارد و نیز شعارهایی که توسط جمعیت تکرار میشود)، عکس العمل مردم در قبال آن و... در گزارش مشخص شود.

کلاهبرداری، کلاشی، کشیدن چک بی محل و... برای مدت تا محدودی اخراج شده است.

آری اینست ما هیت نما بنده "امین" و "تام الاختیار" داستان انقلاب "جناب قدوسی" و "مشول" با کمازی در صنعت نفت. با اینچنین پیشینه‌ای از ابتدا مشخص است که کمازی چگونه آنجا می‌بگردد! از آنجا که دولت جمهوری اسلامی برای بازسازی و هدایت سرمایه - داری وابسته به سرپرستان رژیم پیشین که در این زمینه تجربه‌ها و رنداجتاج دارد، اینست که میبینیم کار هیئت "کمازی"، میشود تشریفه‌ها مل امپریالیسم و آب توبه ریختن بر سر آنها!

بدستال ۴ فشا کمازی مذکور و زه شنبه ۵۹/۳/۲۶ کارگران و کارمندان صنعت نفت. هوا زیدستور شورا از ورود آندسته از عناصری که مشمول پاکسازی شده ولی هنوز با کمال وقاحت سرپشته‌ای خود حاضر میشوند بنه کارخانه‌ها و ادارات صنعت نفت جلوگیری می‌کنند و شرکت را بطور انقلابی از وجود کشف آنها پاک می‌نمایند.

قابل ذکر است که در خلال اقدامات شورا معین فر طی اطلاعیه‌ای اعلام میدارد که با بلخ بره ۴ پرونده در دست اقدام در وقت تصمیمات هیئت پاکسازی منتصب وزیر نفت ضمانت اجرائی خواهد داشت و تصمیماتی که از جانب شورا گرفته میشود سی اعتبار است. شورا در جواب این نامه اعلامیه‌ای منتشر کرده که در قسمتی از آن آمده است:

"کمیسیون پاکسازی وزیر نفت عملاً ثابت کرده است که طی مدت هفت ماهی که عهده‌دار امپریالیسم بوده است، در رابطه با پاکسازی مناطق نفتخیز گامی برنداشته است و با توجه به اینکه کمیسیون از طرف آقای معین فر وزیر نفت منتصب گردیده است، اصولاً نمیتواند مورد تائید شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت احوال باشد، و هیچگونه صلاحیتی جهت رسیدگی به پرونده‌های صنایع نفت احوال نخواهد داشت. لذا هرگونه تصمیمی و یا اعلامیه‌ای از طرف این کمیسیون در رابطه با پاکسازی مناطق نفتخیز، از طرف شورای کارکنان صنایع نفت احوالی ارزش و اعتبار است."

حوزه‌ها و سازمان بیگانه را انتشار اعلامیه‌ای ضمن تائید مواضع اخیر شورا و نیز اشاره به سازشکاری‌های گذشته آن نوشته است:

"با سازشکاریها، مذاکرات و ممانعت یکسال و نیم اخیر شورا با مدیریت صنعت نفت فرصت فراوانی به این مزدوران بیگانه‌اندادتا با زهمه‌ها عمل سنگین گذشته خود را بدهند. چه کسی مسئولیت باقی ماندن عوامل رژیم گذشته را در این مدت با بدبخته بگیرد؟ شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت همانطور که تجربه اخیر نشان داد زمانی میتواند انقلابی عمل کند زمانی میتواند تند و آهسته با دشمنان می‌تواند تشکیلات و افعی کارگران باشد که برشده کارکنان تکبهداشته باشد، چشمه‌ها لاشیها نداشتند و در جهت منافع کارکنان حرکت کنند. افتادن در رژیم جمهوری اسلامی که هدفش وابسته کردن شوراها به مدیریت دولتی کردن آنها و شورا را بعنوان ارگانهای مشورتی و کمکی بدین است، چیزی جز نابودی شوراها نیست."

اعلامیه مذکور در پایان به کارگران مبارز و کارمندان انقلابی صنعت نفت رهنمود میدهد که برای تداوم مبارزه و رسیدن به اهداف انقلابی مبارزه خود را از طریق مبارزه علیه عناصر سازشکار شورا و طرفداری از اذروان آن پیش ببرند.

گزارش مختصری از دیدار با خانواده رفیق شهید مهدی شوشتری

مادر مهدی: مگر مهدی چه کرده بود؟ مهدی را بجرم عشق بمردم اعدام کردند

هفته پیش بیکارگرانقلابی رفیق مهدی، توسط جلادان رژیم در هوا تیرباران شد. یکی از رفقای ما از صحبت های خانواده رفیق شهید گزارشی تهیه کرده که اکنون قسمتهاي آن از نظر خوانندگان میگردد:

بعد از اعدام ما جوان سردار رفیق در تاریخ ۵۹/۴/۷ به منزلتان رفتیم. روحیه ای سرشار از استقامت و نیرومندی برستانگان مهدی شهید حاکم بود. روحیه مادر رفیق بسیار خوب بود و تازی از بی تاسی در چهره اش پیدا نشود. مرتباً افتاگری میکرد. او میگفت: "من گریه نمی کنم، چون مهدی شهید شده و شهید همیشه زنده است. خوشحالم چون می دانم اهلش ادا شده دارد. مهدی شهید راه حق و حقیقت است. رژیم جمهوری اسلامی هر کس را که دم از انسانیت می زند، از بین می برد. این رژیم به جمهوری است نه اسلامی زیرا با نام اسلام مردم را قتل عام می کند. ما چند صبا حسی بیشتر به عمر خود ادا می دهیم. این جمهوری نیست. دیگران نوری است. مگر مهدی چکار کرده بود؟ مهدی را بجرم عشق به مردم اعدام کردند. مهدی کسی نبود که رژیم توان سحر او را داشته باشد. من افتخار میکنم که چنین پسری را بزرگ کردم. ما باید به چنین جوانانی افتخار کنیم که ما ظلم و جور را بر ما روا کرده اند. دیشب که مهدی مرا اعدام کردند و ما را کشتی که او را شکنجه کرده بودند حوالت بود و وحوش گرفتند. حال خمینی به آسیا یا داس می دهد و عفویمان نمیکند." خواهر مهدی نیز همچون مادر دلیرش با روحیه ای نوری میگفت: "کسی که در کردستان مردم را اعدام می کند، کسی که قتل عام فارس را جو دمی آورد و به عنوان فرمانده کل فواید سور قتل عام خلق کشور را می دهد منجمی ندارد اگر مثال برادر مرا میگردد! هنوز هم نوا رهای سخنانی را در باره ای دارم که گفته اند ما را که کشتن را بر اعراض خود زانند، ولی مهدی ما را با خطره عذابنا اعدام کردند. مهدی را بخاطر دوست داشتن مردم اعدام کردند. ای مردم! در تاریخ ما به قدر کسی را با خطره جرم او می سزائند سنگ بنظر کسی اعدام کردند. برادر بزرگتر من مهدی است. امروز از تاریخ بلفظ کرد و گفت: اسم مهدی را که اعدام شده است اینجا از دیونولوسریون سندسم

دلسوزی رژیم جمهوری اسلامی برای شرکت امپریالیستی کرایسلر

حرکت رژیم جمهوری اسلامی برای تحکیم مناسبات وابستگی میهن ما به امپریالیستها، اکنون دیگر جنبه عملی بخود گرفته است و رژیم، علیرغم باهوی ضد امپریالیستی بودن اش، هر روز جزا اداهای امارت - آورده ای با شرکت های امپریالیستی زاینی، فرانسوی آلمانی، انگلیسی، و... امضاء میکند. خبری که ملاحظه میکنید حسن نیت رژیم جمهوری اسلامی را به شرکت های امپریالیستی نشان میدهد و چنین بر ما بد که رژیم برای انجام موفقیات سریعی و اسلامی خود!!، به دستگیری از "سیسویان" امپریالیست از جمله شرکت ورکشپه و سنگدست "کرایسلر" پرداخته است!!

شرکت کرایسلر را چرا به های امپریالیستی - انگلیسی - آمریکا می است که در حال حاضر به سپهر نجران مالی خود در آسیا و روسی که قرار گرفته است. این شرکت امپریالیستی بولید کننده ماشینهای "هیلمن" بوده و سیع آن در ایران در زمان رژیم سابق خود حاصل از اسما رکارگران را علاوه بر حساب امپریالیستها و به حساب سرما به داران وابسته داخلی سرار بر میگردد. آراخا که شرکت مذکور با بحال، خمینی آسیا خود را، به آرای کمکهای رژیمهای ارتجاعی به آسیا فروخته است. ما در رژیم جمهوری اسلامی چنان استدلال میکنیم که کمک به کارخانه کرایسلر برای خرید سهام در جهت باوروی اقتصاد مملکت خواهد بود!! حال آنکه ما بدانیم که این اقدام در جهت ممانع امپریالیستهاست که ما را برود. در زمان رژیم وابسته به سرخانی اردو آملهای ایران بح عنوان "وام" و "سرما به کداری" در خدمت امپریالیستی و ایجاد دادن سرخی سرکهای غارتگر و خطره روسی که فرار می کنند، و امروز علیرغم آنکه ما مملکت را دلازداری ایران در سایه های امپریالیستی مسدود کرده است ولی باز هم دولت ایران به امپریالیستی امپریالیستی کمک میکند. این واقعیتها نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی چگونه در جهت بازاری سازی به داری وابسته و تحکیم مناسبات خود با امپریالیستها میگرداند. این واقعیتها نشان میدهد که برخلاف تبلیغات روسیونستها و رجمیستها این رژیم منسوا ندر جهت حفظ و گسترش وابستگیهاست. این واقعیتها نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی هرگز نمیتواند امپریالیست باشد.

آیا حقیقت دارد؟ مگر مهدی چه کار کرده بود که بیدون محاکمه اعدامش کردند؟ مادر جواب داد: "هیج، مهدی را بجرم عشق بدش و بجرم انسانیت و عشق به خلق اعدام کردند. به تمام مردم دنیا بگوئید که جمهوری اسلامی جوانان ما را بجرم عشق بخلق اعدام میکند." زن عربی که در خانه رفیق شهید بود میگفت: "مادر مهدی! ما را حنا بن این رژیم با این جنابا بس دوام نمی آورد." زن دیگری نیز با ختم هر چه تمام میگفت: "مردم! زنی که حرف نزد مردم را نمیکنند؟ همه میگویند که جوانان ما را ادا رند میگویند ولی هیچکس صدا این درستی آید. دیروز که میخواستم حسد مهدی را بحویل بگیرم از طرف کمیته آیدند و گفتند بشرطی چند را بحول می دهیم که بدون سروصدا آزاد شدن کنید و اگر صدایان در آسیا سداران آماده شد!"

این سخنان که از دل های سوخته و بیسور مادر و خواهر مهدی و نسای مادران و خواهانی که همچون انسان می اندیشند بر می خورد. همچون آنی است که بر خرمن سنگران خواهد افتاد و آوارا بیکره با خود خواهد کرد. این همان آنی است که ارا دل نسای مادران خواهد - ان نسای بداران و جوانان خلق گریه می خیزد که ما اهدا است های بسیار رژیم جمهوری اسلامی در کردستان بوده اند و آنی است که ارا طلب بوده های رحمکنش و آکا ها ما مع ما بلند می شود. آری نودها ما نند روسیونستهاستند که سرکشا به ارتجاعی با درید. (ما را به کار ۶۴، بخش روسیونستی آنها نشیندای خود را بخارنی کند و هر آن که سدا استعاج آنرا از جلادان خلق خواهد گرفت و اسرا آکار را غلام میکند. حوالت آن اسکاری میکنند و سرسب آلمان و عثمانید فرزندان خود را با رگومندی با آمان راجا وسید می بازید و طغنه ای که صد حیدان بر دوش سالی کما می است که به کوسم و به بوده های عشق می ورزند.

رفقای هوادار! مهدی و سپیدی ها را به نودها بسا با بند و جانب دشمنان خلق را که سینه های بر - سوار این فرزندان ارجمند خلق را با کلوله سنگانند، نظور مستمر و بیگسرافت! بسا شد!

ماشاء الله قصاب و ششولندهایش در بندر انزلی

حفا طاب را سادومدارک جا سو ان آمریکا می سودو عکس انان در کنار سفیر آمریکا نشانی بکرا طه "کرم و عشق" آنها میا بند، کسی است که ساعت دستگیری مجاهد اسریم محمد را سعادتی کردید.

جالب توجه است که حتی به اظهار باره ای از مقامات و از جمله خودیسی مدرو مشولان کمیته ها در ان موقع این کمیته جدا ر کمیته های ۱۴ گانه بوده و آنها هم از وجود حسین کمیته ای بی اطلاع بوده اند.

و اما اکنون ما شاء الله قصاب با ۱۲۵ با سدار خودد سه روز است که در انزلی بسر میبرد و نسای تعقیب و مراقبت (سبوه "سرادران" ما واکی خود) را زانده است و عقبه در صفحه ۱۵

هم اکنون که رژیم جمهوری اسلامی و محرمان آن در منطقه گیلان از آکا می زمینکنان هراسناک شده و قصد بر جیدن دکها و جلوکیری از عروس سزایات انقلابی را کرده اند. دست به تلاشهای کثیفی زده و با سزاه ایداختن نمایان و جمعات مسخره و تحریک آمیز و آوردن کله بویکهای نظیر ما شاء الله قصاب و هسادی عفرای و... قصد بر ایداختن کار را از جیدی سرای اجرای نفعه های بیلید خود دارد.

ما شاء الله قصاب که به نظر هیرای مساره مواد مخدرو قاچاقچها، ولی در واقع برای توطئه بر ضد انقلابیون کمونیست به انزلی آمده است، کسی است که در کمیته آمریکا می وابسته به سفارت آمریکا ما مور

بانک تجارت ایران به نجات کارخانه کرایسلر و شرکتی که می کند

دهریت - میسگان - اسریمپهیر - روز کلکته کسب اطلاع شد در میان بانکهای که طرح نجات کارخانه کرایسلر را امضا کرده اند یک بانک ایرانی هم وجود دارد.

توقالی که توسط بانک تجارت ایران بعمل آمده شرکت لاریا و ریکسکه کرایسلر سند ارزنده ای برای طرح تهیه آینه از بانکهای اسریمپهیر است که از پرداخت تاران کسب شده شان به ۲۰۰ وام دسته شرکت کرایسلر در سراسر جهان سزای میزند.

طبق نوشته مجله بانکگر چاپ اسریمپهیر که با آنکه دولت ایالات متحده مبلغ ۸ میلیارد دلار برای های دولت ایران را بر بانکهای غرب مسدود کرد ولی بانک تجارت ایران بانک مودین جدول ضایعه اش در نیویورک اجازت داده است که اسامی را که مسدود بر سره بعضی شرکت کرایسلر تکمیل شده است ایدها کند و یک سکنگری شرکت کرایسلر که حاضر شد نام غربی را افسا کند این مطلب را تأیید کرده ولی از تکلیف جزایات مفرح خریداری کرد

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

تئوری رزمندگان در مورد ساخت جامعه و نتایج سیاسی آن

سال دوم - دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۹ بهای ۵۰ ریال

حکومتی بیرونی شده و نتایج حاصله را مدنظر داشته است. اینجاست که وجوه افتراق میان این تحلیلها روشن میگردد و دیدگاههای متفاوت از سرمایه داری وابسته ایران و نتایجی که هر یک از آنها در تحلیل مسائل طبقاتی، استراتژی و تاکتیکها و... بدان دست می یابند، آشکار می شود.

رزمندگان سرمایه داری وابسته ایران معتقد است، اما مانند درونونه های ایران و بویژه در نتایج سیاسی ای که می گیرند (گرچه این بونه ها نمونه نیک دوپهلو کوئی و ایام است و نتایج سیاسی در میان انبوهی از این مبهم کوئی ها و عدم صراحتها استوار میسود) بوضوح آشکار میگردد که کم سپادان به واسطه سرمایه داری در ایران و منظور

کروه گزرا به، بلکه در راستای با حکومتی به نمازها می که رابطه مستقیم، روشن و اساسی با شرایط متحول انقلابی جامعه دارند، باشد. از اینرو روشن است که بحث برای بحث یعنی ارفاقی نیابتات روشنفکرانه خرده بورژوازی هرگز مورد اقبال ما نبوده و مکتوسم که از نتایج می توان چنین درجه رفیع مغفلات جنسی کمونیستی و مکرانک میسپمان شود خوشم، جنبی که در سیر و بیابان ملی خود میگردانند و نتیجتاً بر بنیادین را بسودر حتمتکنان موجب کرده.

برخورد ما به مواضع سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر "دقیقا از همین دیدگاه برخاسته و همین اهداف را جستجو میکند. طبیعی است که علت خودک سلسله اختلافات میان ما و این رتفا، این نوشته در

مبارزه ایدئولوژیک بمنظور تهذیب تفکر بیرونی و ریاوردن انحرافات کونیا کون و استناد راههای نفوذ ریز بونیستیا، بورژوازیستیا و... به درون جنبش کمونیستی و کارگری و مکرانیک صرف - نظرا ضرورت همبستگی این بعنوان جزئی لاینفک از مبارزه طبقاتی، در شرایط بحرانی جوامع اهمیت است بر مراتب پیشتری می یابد، چرا که در دوران آرام و غایبی که مسئله مدارک برای فرارسیدن روزهای دور مطرح بوده و وحدت مبارزه طبقاتی جنسان محسوس و ملموس نیست، جلوه های رنگارنگ انحرافات نیکس بیرونی مشهود می گردد. در دوران بحرانی است که نیروهای سیاسی مختلف جایگاه مشخص طبقاتی خود را بازمی یابند، سمپ کیری آنها مشخص تر شده و در آرایش طبقاتی بخش تاریخی خویش را باقی می نمایند. در دوران بحران و تندید مبارزه طبقاتی و تندید جنبشهای این مبارزه است که انحرافات و بیسیهای ما درست و خطوه های کونیا کون آنها آشکار شده و در عین حال خطر این انحرافات در جنبش منطقی در به بیراهه گنا بدین جنبش انقلابی زوده ها و وارد آوردن ضربات خدی بسر این جنبش افروزمی میگردد. آری، بویژه در جنبش زمانی است که نیروهای سیاسی طبقه کارگر در صورت نقسدان درک روس و صحیح ارماتل اساسی و سرجم مع و جنس (ما خبا امتیادی - اجتنابی جامعه، صدرت سیاسی، آرایش طبقاتی، استراتژی و تاکتیک و...) به دنیا ما درخواهند بود و نهادهای رزمکنی را به مسر صحیح و اصولی مبارزه هدایت کرده و آنها را رهبری نمایند، بلکه موجودات انحرافات و ناسالمیهای خواهد گشت که در نهایت سود بورژوازی است ما با توجه به اهمیت چندین برابر مبارزه ایدئولوژیک در شرایط فعلی و با توجه به توان خود در دنیا و مملاتیای بیسی - مان با انحرافات و کورانیا ریز بونیستی، نرسکتی و بورژوازیستی موجود در نیروهای جنبش کمونیستی و انقلابی میهن مان مبارزه می کنیم ما در برین کسرتش و تعمیق این مبارزات از یکوا انحرافات کونیا کون (بویژه ریز بونیسم در اشکال و رنگهای کونیا کون بعنوان خطر اصلی جنبش کمونیستی ارسواتر شده و در هم گوبنده شوند و ارسوی دیگر آن نیروهای واقعا بیرونی که در شرایط کنونی در گرداب نشت ایدئولوژیک، خرده کاری، تحریف و بیگانه گدی سیاسی و تنگنالیی گرفتارند و همین با بنیاد به کرداساست و منی بیرونیی دست به انخادی اصولی و مستحکم زده و زمینه های مفیدی ایجاد حزب طبقه کارگر فراهم کرد. ما به توجه داشت که دست یابی به اهداف نسوی وقتی میسر است که محور مبارزه ایدئولوژیک نه مائیتی غیر ضروری و بعنوان پاسخی برای اضع کنجکوی - های روشنفکرانه خرده بورژوازی و با محدودیکریهای

چرا رزمندگان در تحلیلها، سلیسعات و سوسندهای روشنی این امر خلد فعلی انقلاب به صراحت سخن نمی گویند؟ چرا متحدین سرولار را رادر این مرحله از انقلاب نمان نمی دهند؟ و ساری چرا های دیگر.

کلی حدادیدن سرمایه داری ارواستکی است که تحلیلهای این رتفات، تحلیلهای که خود ملهم از کراسات نرسکتی رزمندگان است. برای رزمندگان صاحب حانعدا بران سرمایه داری خودیوسفیل است ولی این مسئله السماع از این نمکرده که آنها تعلا و بنا بر تمیضات آسرا سرمایه داری وابسته بگویند رزمندگان می نویسد که:

... اگر کل مسائل تولید، تکمیل ساختار اقتصادی را میدهد، نمی توان تک جنبه فرعی و سینی که خودنایی ایران مسائل و در دل این مسائل است، بردا خ و بدین سیستم مسائل حدهای وارد نسود، یعنی با توجه عملکرد و روید مستقل و دنیا مگ خود روابط تولید، هرگاه به جنبه های سینی و فرعی سیستم روابط نیردازیم (کدالسبه بردا خین به آنها هم ضروری است) هرگز نخواهیم توانست جامعه را تغییر دهیم. چرا که طبع این روابط و طبیعت سرمایه داری که این روابط را غنیست بخشده است، دوباره رجوع به اصل نموده و واسکی را هر چند بینان، کمتر و بکودای دیگر فرار می نماید... (رزمندگان شماره ۸ ص ۷۰، کدها از رزمندگان است و ناکند دوخطی از ما است) است که مکتد برواستکی جامعه نمودن و مسائل تولیدی سرمایه داری غالب بر جامعه بدیدن دندی کا ملا انحرافی است. یکی نیست، دیدی که بهر حال موجود بورژوازی ملی و مستقل معتقد است ما این

حد و توان آن نسبت که به دنیا می این اختلافات نیردازد بلکه دنیا بر آغاری برای تندیدگر که ما سسالات شوریک این رتفا و سس استیجاب سیاسی، عملی و سکلاسی آنها بود و کسرتش این مبارزه و سادوم و بعضی آن در بر دگرهای آس می خواهد بود.

اولین سخنار مجموعند نگرشون الذکر کردیای آن بوضوح در ما بر تحلیلها و استیجاب رزمندگان دیده میسود، درک نادرست و انحرافی آنها از ساخت جامعه، ناسوسندی خاکم بران و عملکرد آن و مسئله وابستگی است که اینک بدان خواهیم بردا خ.



یکی از مهم ترین مساجنی گذر سس نیروهای انقلابی جامعه از دیدن با مطرح سوده و ارا همت سوی - العاده ای نرسیر خوردار است، تحلیل از خصوصیات جامعه، سوده تولید غالب و سوزکیهای یک جامعه سرمایه داری وابسته میسود. تا بنا به حدی که به ما آوری ساندکدا کسرت فریب با نفاق نیروهای کمونیستی و انقلابی جامعه هرا بدنتا یج منترکی دران زمینه دست یافته و متفقا به "سرمایه داری وابسته ایران" ادعان نموده اند. اما این بدان معنی نیست که این نتیجه گیری نظر هر یکمان و مشترک بر تحلیل و مسائل شوریکیمان استوار رسوده، از یک بیروست تحلیل سکتان گذر کرده و نتیجه حاصله، اختلافات کونیا کونی را در خود حمل نمی نماید. بس صرف اعتقاد به غالب بودن سیه تولید سرمایه داری در ایران و وابستگی جامعه کاری نبوده، بلکه ما بد تحلیلها و نقطه عزمینا

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

رفقا که سعی دارند به خاطر این دیدگاه انحرافی و نظریه وجود "بورژوازی ملی" ساخته و ما هت راست - روانه آنرا بر ملا زنده خود دچار "جنگ" روی شده و در عین حال با "زیرکی" خاصی مسئله "سعی و فرعی" نتوانند وابستگی را بخیران می کنند. بنظر انسان وابستگی "ناسی از این مناسبات و در دل این مناسبات است" و این روابط تولید عملگر دوروندی "مستقل و دستامنگ" دارند و بالاخره اینکه وابستگی جنبه "سعی و فرعی" دارد، چرا؟ برای اینکه "طبیعت سرما به داری این روابط را عینت بخند است". مناسبات و نتیجه این دو به یولو کوئی ها چیست؟ اینکه سرما به داری انسان حاصل نکند بل خودیوی جا نمائست که در پیرو سکا ملی خویش به وابستگی رسیده و این اتحاد "صورت گرفته" است. آنچه که فراموش می شود اینست که غالب شدن سرما به داری وابسته با سرمایه ای نیا زها و منقضیات سرما به مالی امپریالیستی صورت گرفته است و در انسان رزمندگان مبتنی بر تقدم و بنا خرسرما به داری و وابستگی نسبت به یکدیگر یک انگال "کوچک" دارد و آنچه بنکده واقعیت بنا شده و سرمایه انحرافی است. آنچه که رزمندگان نمی بینند اینست که همه عفر را به شدن پیوه تولید نیرو دالی و غلبه و حاکمیت شیوه تولید سرما به داری درجا معدنحت سلطه امپریالیستی ما ای گوئیم غلبه و حاکمیت شیوه تولید سرما به داری و وجود تولید سرما به داری درجا معما با سرمایه ای بر نیازها و منقضیات سرما به مالی امپریالیستی و ستر "فرمهای" امپریالیسم آمریکا با کمک بورژوازی کثیرا دور و بیاد نگاه قدرت سیاسی و مانع دولتی وابسته عملی میگردند. برای رزمندگان مهم نیست که سرما به های امپریالیستی با جریان با قتل در پیرو تولید و ز تولید جماعی و اعمال سیاستهای منطبق با منقضیات سرما به مالی و هدایت کل سرما به اجتماعی از طریق دولت، سرما به های بانکی و... کنترل تولید و ز تولید اجتماعی را در دست می گیرند و بهین خاطر سیستم توزیع و چگونگی تقسیم کل ارزش تولید شده درجا معدنحت مدلی نیز مسلط میگردند. اینکه پس از فرم سال ۴۱ نیروهای مولده درجا معدنحت مارشدا فته بسیار آنگار است اما اصولا برای رزمندگان اهمیتی ندارد که رشد نیروهای تولیدی جا معدنحت از فرم سال ۴۱ انسانا در رابطه با نیازها و منقضیات سرما به مالی امپریالیستی و در محدوده تقسیم کار جهانی مبتنی بر این نیازها صورت گرفته، آنچه مهم رشدی شدید تا بوزن و نواقص که با رنده همه جا نیسبه نیروهای مولده و استقلال اقتصادی جا معدنحت ملا در نفاذ پیوده و مانع رشد مناسبات و همه جا نیسبه تولید اجتماعی و نیروهای مولده جا معدنحت (حتی در آن حسد تناسی که می توان از سرما به داری مستقل در شرایط تاریخی رقابت آزاد دانست) میگردند و همین امر نظیر رزمندگان را مبتنی بر نگاه مل خودیوی و مستقل جا معدنحت و استقرار سرما به داری مستقل از امپریالیسم سرمایه ای وابستگی "سعی و فرعی" به پدیدارهای واهی میسندل میسازد. رزمندگان بخاطر دیدگاه انحرافی نسبت به چگونگی استقرار و حاکمیت شیوه تولید سرما به داری در جا معدنحت و با لطح نسبت به ساخت جا معدنحت توئمنندی و عملگر کردن، انسانا از درک این مسئله غافل است که عملگر دقتا نون اساسی اقتصادی سرما به داری یعنی

کسب ارزش اضافی در این ساخت شکل تا مین سودنوی انحصاری برای انحصارات است که از طریق صدور و عملگر در سرما به مالی امپریالیستی در جوامع سرما به داری وابسته بنیاده می شود و اینکه حرکت و عملگر در این ساختا فیما دی و تا توئمنندی آن انسانا بر اساس این کرایات و منقضیات و سارهای این سرما به مالی امپریالیستی است که خود با سرمایه ای وابستگی اقتصادی و تنجنا سیاسی و... نظام سرما به داری این گونه حوامع به سرما به داری امپریالیستی (وامپریالیسم سلطه) است، بدون لحاظ معولده وابستگی درجا معدنحت سلطه و وابسته به شیوه تولید سلطه سرما به داری از

امپریالیسم را مین میکنند، امپریالیسم نمی تواند سلطه مطلقا سرما به داری جهانی را برانسان کسور اعمال نماید. (رزمندگان شماره ۱۴ - ۸ تا کنده آزماست ۱۰) اینکه سلطه و بهره گیری و عارت امپریالیسم بر کشورها - های تحت سلطه مطلقا سرما به داری وابسته در دنیا وابسته به سلطه مناسبات اقتصادی - اجتماعی سرما به داری و اساسا امری آنکارا است اما سیستم در بر این کفته های رزمندگان چه بد و تحلیلی بیفته است و ساج با کرایات تحلیلیا چه خواهد بود. سراسر اساس بطل قول نوی و دند رزمندگان کوبا است

رزمندگان نیز به سرما به داری وابسته ان معتقد است. اما با دقت در نوشته های ایشان و بویژه در ساج سیاسی ای کدی میگردند (گرچه این نوشته ها نمونه سبیک دویولو کوئی و است و ساج سیاسی در میان انبوهی از این مبهم کوئی ها و عدم صراحت ها است) می شوند (بوضوح آشکارا میگردند که کم پیدا داری وابستگی سرما به داری تحلیل های این رفقا است، تحلیلیاتی که خود ملینیم از کرایات سترسکیستی رزمندگان است.

سرما به داری در ایران بطور خودیوی مل یافته و مستقلا سترار می یابد و سیر طی روندی وابسته می شود و در حقیقت وابستگی بر آن سوار می شود. در حسن حالی "دینا یک خاص خود را" داراست و ساخته بلازاده امپریالیسم "نسبت با این معنی که عمدنا دارای استقلال خاص خود است. در عین حال رزمندگان وضعی از "طبقه بورژوازی وابسته" صحبت می کنند با رهم در واقع همین دنگا در از حقیقت اجماعی فقه معنی میکنند و آن اینکه کوبا کلیل طبقه بورژوازی در ارساطی مستقیم و ارگانیک بنا سرما به مالی امپریالیستی بوده و با مغز استخوان وابسته هستند. اما آیا وضع درجا معدنحت براساسی چنین است؟ هما بطوریکه قسم از رهن کفته های رزمندگان سنوان نتیجه گرفت که رزمندگان به تکامل خودیوی سرما به داری در ایران و سرما به داری مستقل ایران معضلات بسیار در تصور با بدینا بن سئوال کبسه فاسون ارزش اضافی در این ساخت درجه تکلی (سرخ متوسط سود، نواده تحماری، ...) خود را نشان میدهد پاسخ دهد و نیز لازم است رفقا سرونشی نظران در مورد این پیرو سکا مل و غلبه و استقرار سرما به داری در ایران را توضیح دهند و مشخص کنند که آیا بنظر انسان این پیرو سکا مل و خودیوی های وابستگی آن جیسستی هما بند و صنعت برنگال، انسانا است، چیزی نیسبه سوریه و... است؟ چرا که از نقطه نظر وابستگی در عصر امپریالیسم "سرما به مالی در کلیه مناسبات اقتصادی و کلیه مناسبات بین المللی آنجان نیروی بزرگ و مستواً در کف قاطبی است که حتی فادراست دولتها می راهم که از کلماتیوین استقلال سیاسی برخوردارند و تابع خود سازد و او نافع تابع مسازد" و بدینا است برای سرما به مالی از همه تراحت تر "از همه پرفایده تر

آن جمله جا معدنحت اجزا، ارگانیک و لایسک مناسبات تولیدی سرما به داری حاکم بر کسور است. مناسباتی که خودیویزگیهای عصار امپریالیسم و منقضیات و کرایات سرما به مالی امپریالیستی در رابطه با کشور تحت سلطه و وابسته دارا می یابد و از امپریالیسمی و سرما به داری درجا معدنحت در رابطه با ارگانیک با یکدیگر متنسب یک بنیاده و اجبعی سرما به داری وابسته (سرما به داری درجا معدنحت سلطه) است. (۱۱) اما قضیه همین جا خا معدنحتی با بدینا سترار ف رزمندگان در تحلیل ساخت جا معدنحت سترار آن است که در سرمایه سوسنه ها بیرون نرند. آنها می گویند: "... موفقیت یا نکتست عملگر در امپریالیسم ماکول و متوسط بدینا بن با یکا ه مناسبات در ایران است که بدون وجود این با یکا ه امپریالیسم هرگز نمی توان تدبیرنا مه ها و منافع خویش را پیش ببرد. بخصوص که این با یکا ه ساخته بلازاده امپریالیسم سنا شد و علمبرغم وابستگی و با عینت آن نسبت به سیستم جهانی سرما به داری، دینا یک خاص خود را داراست. عملگر در امپریالیسم از طریق سلطه و بهره گیری سی حساب دقیقا متوسط و در کسور اما دکی با یکا ه آن، یعنی سیستم سرما به داری وابسته و طبقه بورژوازی وابسته میسازد. بدون تسلط مناسبات اقتصادی - اجتماعی و طبیعا طبقه خاصی که امپریالیسم از طریق آنها به عارت و بهره گیری خودا ده میدهد و بدون تسلط گروهی که منافع

(۱) - ما در این مقاله به تغییرات سیاسی بعد از قیام و تا شراتی که این تغییرات بر حرکت اقتصادی جامعه داشته یعنی بردا زیم بلکه بطور کلی در مورد ساخت سرما به داری وابسته به طرح نظران بردا خسته ایم.

رویزیونیسیم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

پیکار

آنچنان ناسع نمودی است که با از دست رفتن استقلال سیاسی کشورها و ملل تابعان ما شد. لکن میربا لیم تنها بدینا لترین مرحله سرمایه داری، اقامه بر این در مقابل استقلال ما که میگوئیم شیوه تولید سرمایه داری اما با بنا بر مقتضیات و نیازهای سرمایه مالی امپریالیستی و بواسطه "فرم" توسط امپریالیسم آمریکا و کمک بورژوازی کمبرادور و قدرت سیاسی و ماسین دولتی وابسته درجا رجوب حفظ سلطه و وابستگی درجا معده غلبه یافته و مستقر شده و این غلبه و استقرار حاصل نگام خود بسوی سرمایه داری درجا معدنست و عملگردان سرمایه منبسی بر منافع و نیازهای سرمایه مالی امپریالیستی و سرمایه داری وابسته بوده است، رزمندگان چه استدلالی دارد؟ جواب طور واضح نمی گوید که بروی استعرا سرمایه داری ارتظاریان را چگونه بوده است و بطور منعم و دویله و در لفا نه این پروتتر انصویر منکند؟ مسئله دیگر در بقل قول فوق، طبقه بورژوازی است نظریه و دیدگاه رزمندگان در مورد نیروی غلبه و استقرار و کیفیت سرمایه داری در ایران لزوماً وابسته بودن کل طبقه بورژوازی ایران (از همان نوع وابستگی مورد نظر رزمندگان) می انداختد ولی رزمندگان با "زرنکی" و با نامیدن کل طبقه بورژوازی با عنوان وابسته و هدف راندن اول اینکه تفاوت میان بورژوازی کمبرادور، لبرال و کوچک را مخدوش سازد و نتایج سیاسی شوربهای خویش را در پوشش نیکبندار و دونا نیابرای برده بوسی مسئله اول تیر توجیهی داشته اند که این سوجه سیرکمان آنها در پوشش حمله به منتقدین "طبقه بورژوازی وابسته ایران" تحت عنوان "تظریه یخی از بورژوازی و اعتقاد به وجود بورژوازی ملی" بدست می آید. اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که هر چه کسب ارزش اضافی (سودآوری) افترا مختلف سرمایه داری ساخت، وابسته به مناسبات تولیدی موجود بوده و همین امر با عیبی وابستگی افترا مختلف بورژوازی به این سیستم را بیان می نماید و هر چه افترا مختلف بورژوازی بدلیل اشتراک منافع در اینستار شدیدی کار و کسب سود هر چه بیشتر آنگاه مدافع نظام اقتصادی سرمایه داری وابسته اند و جنبه وحدت آنها در مقابل طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان غالب است، اما (و این اما می است که رزمندگان نمی بینند) در عین حال نمیتوان بورژوازی کمبرادور با حیا سرمایه های انحصاری وابسته و نمایندگان سیاسی آنها را که متراسخوان وابسته به امپریالیسم و کارگران هستند را با ما حیا سرمایه های متوسط و کوچک (منظور لایه های با کسب سرمایه متوسط است) یکسان بداند، علت این امر روشن است زیرا اولاً بورژوازی متوسط و کوچک کار گزار را میربا لیم و متراسخوان وابسته آن نبوده بلکه از یک سو بیعت و وابستگی کسب ارزش اضافی و سودآوری سرمایه شان به مناسبات موجود، وابسته محسوب میگردد و از سوی دیگر کارکنان لبرالی بورژوازی متوسط به تعدیل سلطه انحصارات در زمینه های مختلف بیعت سرمایه های متوسط و غیر انحصاری و تمایل به تعدیل سلطه فاشیک امپریالیسم و تعدیل آن به شراکت با چند کشور امپریالیستی و کوشش آن برای سهمبری حضور و قدرت سیاسی بینظور یا سخ به این خواستها،

آنها را در مقابل تمام و کراست سرمایه مالی امپریالیستی و سرمایه انحصاری وابسته، دعا کمبسی انحصاری و کسب سود و انحصاری قرار میدهد و همین امر با عیبی نمائات مسدا و نشا و ب مان آنها است بنا و بی که مسوان آنها را دیده گرفت، اما بنا بر اجناس با بدبران تخلیها حسب و حرار رزمندگان جاره ای خرید بر آنها و از این رو بد برش با ثبات آنها را ندارد؟ دیدیم که ما حتجا معد برای رزمندگان سرمایه دار بسب و وابستگی برای این رفعا غیر عمند کرات مکررتان در باره حضور ارکان امپریالیسم "جبری" فرعی و وسیعی است که لزوماً نتایج نا سیر کیفی و بعضی کننده در حرکت جا معده داشته اند، چرا که روابط تولید موجود "عملگردور و مستقل و دینا میک"

مدهد، می توان بصره را لایوسا می کرد، رزمندگان بنیوان تک نیروی سیاسی با بدیا سخی روشن بسزای مسائل اسراسزیک و نا کسکی داشته اند و از اینرو مسوان بدیه کلی باقی و مبهم کوئی، یعنی کاری که تا کنون کرده است، اکتفا کند، ما از رزمندگان میبرسم چگونه با این نظر گروه شبه سروسکسی "سازمان وحدت کمونیستی" که معتقد است "از این رو بزیونست های ریکارک با بد برسد که انقلاب اجتماعی شما چه چیزی را میخواهد عوض کند؟ اگر ما مناسبات سرمایه داری و سلطه طبقه سرمایه داری را هدف دارین چرا انقلاب سوسیالیستی نمی گذارید و اگر آنها هستند نیستند پس چرا آنرا انقلاب اجتماعی میخواهند؟ آنها این است که شما جا خلاصه عوامقربا نه منگویند حدا کثرتک انقلاب سیاسی را بعنوان تک انقلاب

آنچه که رزمندگان نمی بینند اینست که به علت رانده شدن شیوه تولید سوسیالیستی و غلبه و جا کمبسی سوسولتد سرمایه داری در جا متعه تحسنت سلطه امپریالیستی ما می کوشیم غلبه و جا کمبت شیوه تولید سرمایه داری و بدو خود تولید سرمایه داری در جا معد) اما با عیبی بر نیازها و مقتضیات سرمایه مالی امپریالیستی و بران "فرم میانی" امپریالیسم آمریکا یا کمک بورژوازی کمبرادور و داری تکا قدرت سیاسی و ملی شین دولتی وابسته عملی می گردد.

اجتماعی جا بسند و بدستوسله ما هت سازگار و رفیرست خود را سونا ند؟ (انقلاب سوسیالیستی یا دمکراسیک - مخاب ۵۷ و ۵۸) مرز بندی میکنند را سی اگر رزمندگان اختلاف نظری با نقل قول بالا ندارند (که بنا بر تحلیل آنان از ساخت جا معده معتقدیم جنبه اختلاف نظری وجود ندارد) چرا آنکارا با انسان همصدا نمی شود؟ حرار رزمندگان در تخلیها و تبلیغات و نوشته های ترویجی آن از مرحله فعلی انقلاب بصرات سخن نمی گوید؛ چرا متحدی بیولیا را را در این مرحله انقلاب نشان نمدهد؛ و بسیاری جراهای دیگر، ممکن است رزمندگان معتقدند که مرحله انقلاب هم قبل و هم بعد از ما سوسیالیستی بوده و هست (ما می کوشیم ممکن است و آنچه ما توجه به احتمالات اما این احتمال هم وجود دارد که رزمندگان مجدداً به کیف تازه ای برسند و یک انقلاب دمکراسیک یا سوسیالیستی غیر متعارف! (از همان نوع مضمون سوسیالیستی و شکل دمکراسیک) (۲) عرضه کنند، با بد صر کرد و بد در اینصورت روابط طبقاتی و ظرفیتهای سیاسی جامعه را ناقص از تقا مونرکت افترا مختلف خرده بورژوازی حتی خرده بورژوازی مره در انقلاب، کرچه بطور

(۲) - اینکه ما روی این "نوع" اشاره می کنیم بدین خاطر است که رفقای رزمندگان قبلاً این نظریه را جزء نظرات درونی در سطح جنبش بخین کردند و با اعتقاد ما همان دیدگاه امروز رزمندگان غالب است و بدون مرز بندی و نقد نظراتا به شده قبلی بطور پوشیده همان نظریه را ترویج می کند.

دارد و با زیر آس کشته خود این رفعا هر کجا دیده چند - های "فرعی و وسیعی" یعنی وابستگی بپرداریم "هرگز نخواهیم سوانست جا معده را بغیر دهیم"، البته در تقا بدگر میدهند که "السد بردا خن بد آنها هم ضروری است" ولی بنظر ما اسبکوه "بردا خن" رزمندگان نیز همانند بر خورد است روا به ای که فقط بروا بسکی و مستقلند سلطه امپریالیسم بطوریک جا بسند که میکند عمل جبری جز جدا دیدن وابستگی وسیعی و فرعی کردن آن و تکیه یک جا بسد سرمایه داری جا معد نیست.

نرا با س نظریات رزمندگان ما جا معده ای سرمایه داری رو برو هستیم و همین خاطر مسئله انقلاب ایران "نا بودی" سیستم، نا بودی روابط غارتگرانه و سنگترا نطبقاتی (بخوان روابط سرمایه داری) است و "طبقه بورژوازی با بدیا سوتود" (نوجه سود که این و طبقه مستقیم و در دستور برای مرحله فعلی است که میگوید "نا بود" و نه سیرکون، در مورد فری این دو، و اصولاً در این زمینه در جای دیگر سخن خواهیم گفت) بنا بر این رزمندگان بر با بد این نشوری خود نا بسد مرحله انقلاب ایران را سوسیالیستی بداند نه دمکراسیک - خدا میربا لیم (در گذشته ارائه سیر انقلاب با مضمون سوسیالیستی و شکل دمکراسیک رفعا نیز نتیجه اجتنابنا بد بر همین تفکر و نگارش بوده است) البته ما حمله به انقلاب دمکراسیک "متعارف" و با تکرار صرف یا سخ کا ثوتسکی به بلخانف بدون اینکه در نظر بگیرند که بلخانف با ستوالات خود از کا ثوتسکی چگونه مرزها را مخدوش میکند و کا ثوتسکی چگونه در حد خویش یا سخ رومنی به مسائل جا معده رسته

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

نبودن "امپریالیسم" از "سیستم" پس میگیرند و ما هم در مقابل حرف خودشان را برای این رفقا تکسرار میکنند و آنها اینکه :

"... جدا کردن وابستگی از سیستم اقتصادی - سیاسی حاکم بر ایران جز بیفایده بورژوازی سنف هج طبقه دیگری نیست" (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۶)
آری ، رفقا مبارزه طبقاتی از مبارزه فدا میری با لیستی جدا نیست و بدون نابودی سرمایه داری وابسته و سلطه سرمایه قطع وابستگی هم ممکن نیست ، اما چه سود که شما گرچه این مسائل را در حرف عنوان میکنید ، ولی هنوز بدلیل التقاط در شورای متوسط به ساخت سرمایه داری وابسته و روابط طبقاتی در این

میشود ، اینجا است که اهمیت و خلقت استراتژیک مبارزه برای کسب استقلال سیاسی ، اقتصادی و ... بر علیه امپریالیسم و وابستگی و سرمایه داری وابسته به حدیک جنبه تا کنیکی در جاتی که امپریالیسم دست به تجاوز آنکار نظمی زندنزل میکند ، این امر جزوی جزئی نتیجه سیاسی و انعکاس جنبه فرعی و تبعی "وابستگی نسبت به مسئله روابط سرمایه داری در جامعه سرمایه داری وابسته ، در عرصه سیاسی و مخدوش کردن استراتژی و تاکتیک نیست .

ارائه این "تئورسی بر نظریه و نشوری رزمندگان اگر تا قبل از قیام در بر خور دنیا و اقیانوس آنکار رایج تلافی بر میخورد ، در شرایط بعد از قیام و در نتیجه

نا بیگیر ، چگونه توضیح میدهد ؟ آیا رزمندگان هیچ انقلاب سوسیالیستی سراغ دارد که خرده بورژوازی مرفه در آن شرکت کرده باشد ؟ و اگر این رفقا معتقدند که بیس از قیام مرحله انقلاب عوض شده و سوسیالیستی است ، مبنای تحلیلشان را کدام تغییر در مباحثات اساسی طبقات تشکیل میدهد ؟ مسئله دیگری که درک انحرافی رزمندگان از ساخت جامعه داری خویشتن را بیوضوح در آنهم نشان میدهد ، مسئله مبارزه طبقاتی و مبارزه ضد امپریالیستی است . رزمندگان بدرستی میگویند :
"مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جدا نیست ."

اما خود این رفقا درک درستی از مفهوم و محتوی این امر را نداده اند ، آنها که وابستگی را از سرمایه داری جدا میکنند ، طبیعی است که نتوانند ارتباط میان مبارزه فدا میریالیستی و مبارزه طبقاتی را در جامعه وابسته بدرستی درک کنند . رزمندگان که میگویند روبریونیست ها و راستگرایان مرز بندی کند ، خود دچار انحراف "چپگرایانه" شبه تروتسکیستی میشوند . روبریونیست های قدیم و جدید ظاهراً مبارزه طبقاتی را با یعنی از مبارزه فدا میریالیستی دانسته و عبور همه چیز را از مسطور "مبارزه فدا میریالیستی" مژوری میدانند ، و به آن موکول می کنند ولی واقعا مبارزه طبقاتی را با این وسیله ننی و سازش طبقاتی را تبلیغ میکنند ، اما جریانات "چپ" دچار انحراف دیگری شده و مبارزه فدا میریالیستی را با یعنی از مبارزه طبقاتی تصور میکنند ، این جریان نیز عملاً قادر نخواهد بود مبارزه مورد نظر جامعه عمل بیونانند و به مبارزه لطمه میزند ، زیرا در جامعه تحت سلطه سرمایه داری وابسته هم بطور که سرمایه داری و وابستگی در ارتباط ارگانیک و لاینفک با یکدیگر قرار دارند ، بلحاظ استراتژیک مبارزه ضد امپریالیستی و طبقاتی نیز بیوندی ارگانیک و جدائی نا پذیر با یکدیگر دارند .

رفقای رزمندگان سربا گرایان "چپ خود علی رغم تا کید بر جدا نبودن مبارزه علیه سرمایه داری وابسته و امپریالیسم از هم معتقدند که :
"تجاوز امپریالیسم ، برای ما به معنی همزمانی مبارزه ما است ، معنی نفوت مبارزه بطور مشخص علیه یکی به معنی ندیده گرفتن و فراموش کردن دیگری نیست ." (رزمندگان شماره ۹ صفحه ۲۱ - تا کید ارماس است) .

سخنی آنکار راست از آنجا که رزمندگان معتقدند تکامل خودی سرمایه داری در ایران و بیرونی استغفار و غلبه مستقل آن است ، لذا عملاً حضور امپریالیسم و مبارزه فدا میریالیستی ندیده ها در وابستگی رابطه تنها در شکل دخالت مستقیم و تجاوز آنکار امپریالیسم مفهوم می یابد و تجاوز آنکار امپریالیستی در یک جامعه سرمایه داری وابسته معنی اهمیت یافتن جنبه وابستگی در مبارزه و هم تراز آن به سلطه سرمایه در مبارزه طبقاتی و فدا میریالیستی برای نابودی سرمایه داری وابسته و سلطه و نفوذ امپریالیسم بوده و لذا باعث "همزمانی" مبارزه علیه این دولتلی میشود .

با این تلقی ارتجاع و امپریالیستی است که مبارزه فدا میریالیستی با مبارزه طبقاتی "همزمان"

اصولاً نبود یک درک صحیح و روشن از سرمایه داری وابسته و مگانسیسم آن تحت عملکرد همین تئوری همیشه سبب به "چپ" و راست رفتن رزمندگان شده است . این رفقا که روزی بخاطر همین درک نادرست در حرو و سستی سیاسی وضعیت سیاسی آینده ... "براست افتاده و وجود سورروازی ملی را می پذیرفتند ، امروز با زهم بخاطر همین درک نادرست به "چپ" در غلطیده و تحلیل شبه تروتسکیستی از ساخت جامعه فدا میریالیسم ، مرحله انقلاب و ... ارائه می دهند .

ساخت مفهوم آنها را بدرستی درک نکرده اند . بعنوان موجهه آگاه کنیم که اصولاً نبود درک صحیح و روشن از سرمایه داری وابسته و مگانسیسم تحت عملکرد همین تئوری همیشه سبب به "چپ" و راست رفتن رزمندگان شده است . این رفقا که روزی بخاطر همین درک نادرست در حرو و سستی سیاسی وضعیت سیاسی آینده ... "براست افتاده و وجود سورروازی ملی را می پذیرفتند ، امروز با زهم بخاطر همین درک نادرست به "چپ" در غلطیده و تحلیل شبه تروتسکیستی از ساخت جامعه فدا میریالیسم ، مرحله انقلاب و ... ارائه می دهند ، که لزوما در عمل نطفه های راست آن ارم کانون (رزمندگان شماره ۱۱۳) آنکار شده است .

تغییرات سیاسی ای که بوجود آمده (بدون اینکه این تغییرات در وضعیت سیاسی و اجتماعی بنین تغییرات استراتژیک و مرحله انقلاب تا ندمتها این تغییرات و طایف جدیدی را بلحاظ تاکتیک موجب گردیده است) نتایج آن در وهله نخست تا حدی مخفی و پنهان شده و پوشیده میماند ، تا این سرب علی رغم اینکه رفقای می گویند :

"... انشا به برکی است که هر آنه ما با نطفی مگانسی از عملیات "امپریالیسم" بعنوان نیروی جدا از سیستم کتیک و استراتژی خود را سیستم کتیم" (رزمندگان شماره ۱۲ صفحه ۸) خودیما نشوری خویشتن مورد ساخت جامعه و روابط طبقاتی آن عملاً مرتکب این انشاه بزرگ میشوند و با جدا کردن وابستگی از سرمایه داری و جنبه سیاسی و فرعی تا ثیل شدن برای وابستگی کفنه های خود را هم در مورد جدا

این بحث را در آینده و در زمینه های دیگر سرب ادا خواهد داد .



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست